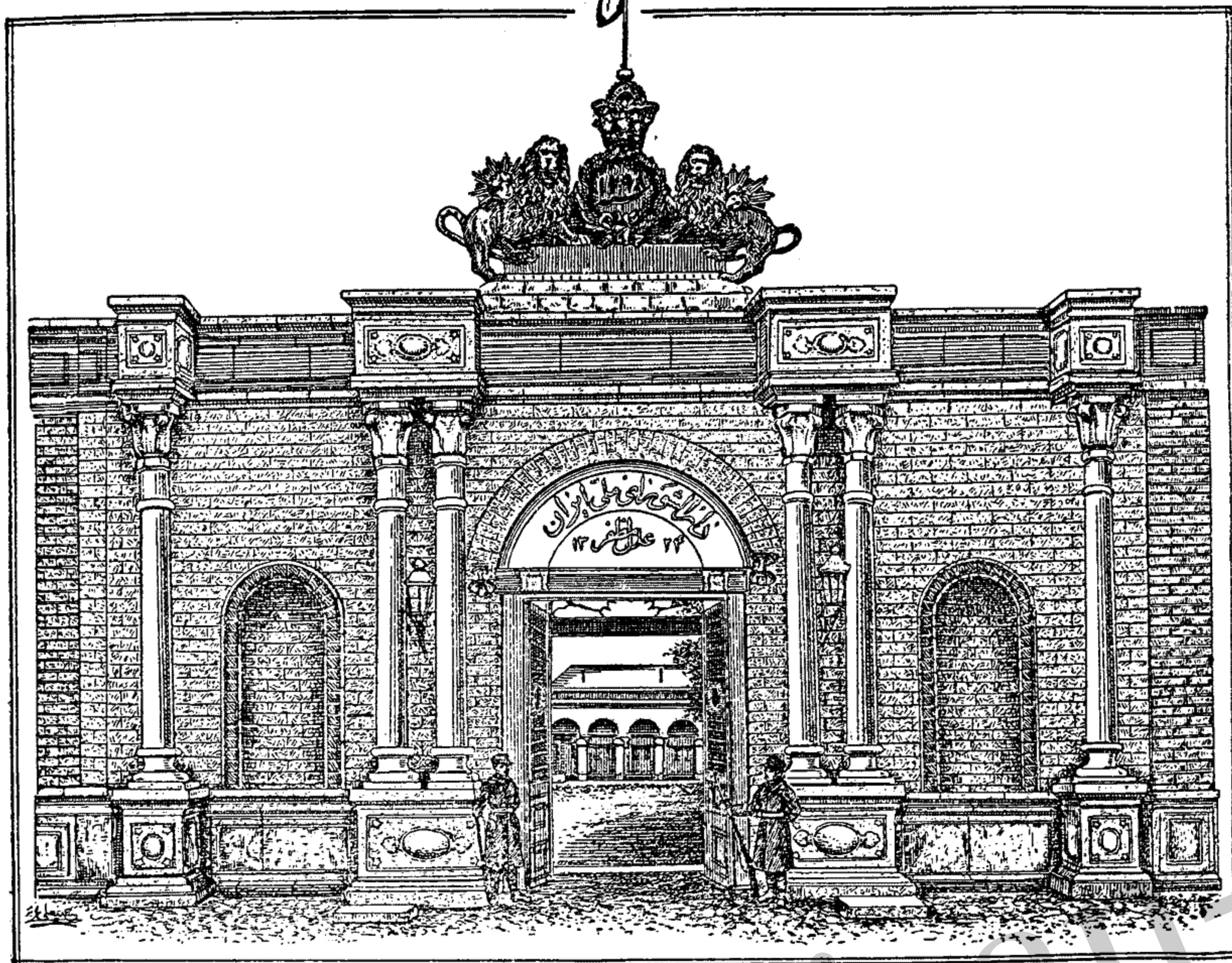


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۹۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۰ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخه ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

## فهرست مندرجات



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۰ رجب المرجب ۱۳۴۶

### جلسه ۱۹۳

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر برناست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 آقایان : ذوالقدر - دشتی - مهدوی - عدل - میرزا  
 ( صورت جلسه روز پنج شنبه ۲۱ دی ماه را )  
 آقای نگهبان قرائت نمودند )  
 غائبین با اجازه جلسه قبل  
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بخر کبیسون بودجه راجع به استخدام متخصصین مالی	۳۱۷۹	۳۱۹۲
۲	تقدیم لایحه تمدید اختیارات آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس کل مالیه از طرف آقای وزیر مالیه و تقاضای فوریت آن و مذاکره نسبت به آن	۳۱۹۲	

مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که یک نفر از فلان مملکت بفلان مبلغ برای فلان کار کنتراست کند مجلس شورای ملی نمیداند که آیا دولت داخل مذاکره با اشخاصی که باید انتخاب شوند شده است یا نه؟ چون این کار کنتراست هم مثل کار عهد نامه است و دو طرفی است چیزی نیست که یک طرف رأی بدهد و آن طرف هیچ ملاحظه نداشته باشد و قبول کند و بطور کلی هر چه که مجلس رأی داد حاضر بقبول آن باشد. بنده خواستم اولاً این مطلب واضح باشد که یک شخصی که دارای این صفات است تمام موادی که حالا ما درش شور میکنیم با آن شخص قطع شده است مثل کنتراست هائی که در ادوار سابقه از مجلس می گذشت بعد از آنکه هم دولت (هم استخدام کننده) و هم استخدام شونده هر دو موافق می شدند و توافق نظر حاصل میشد آنوقت می آوردند از ما تصویب می خواستند این را هم باید توافق نظر حاصل بکنند و بعد بیاورند از ما تصدیق بخواهند و الا مثل قضیه نفت میشود و ممکن است با آن شرایط کسی پیدا نشود. و الا آن روز هم عرض کردم همین مسئله موجب میشود که ما بحال خودمان یک چیزی را تشخیص بکنیم و رأی بدهیم که ممکن است با آن شرایط اصلاً کسی پیدا نشود قبول کند حالا هم دارد همینطور میشود بعد از آنکه ما این رأی را دادیم دولت پیشنهاد میکند بان اشخاصی که پیدا می کنند میگوید این رأی است که مجلس شورای ملی داده است ما نه زیاد می کنیم و نه کم در آن صورت با اشخاصی پیدا نمیشوند که مطابق این شرایط حاضر شوند کار کنند و کار بکلی معوق می ماند یا اینکه خیر اشخاصی پیدا میشوند ولی یک ملاحظاتی دارند که ممکن است نه دولت و نه مجلس مخالف آن ملاحظاتی باشند ولی در قانون ذکر نشده باشد مثلاً آنها از روی تجربه بگویند که این ماده اگر یک جمله بآن اضافه شود برای سهولت کار ما خوب است بعد باید دولت یک لایحه

آقایان: حاج علی اکبر امین - مرتضی قلیخان بیات - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - زارع حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - دیر آمده کان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - فومنی - مولوی

دیر آمده کان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهراب خان - حاج میرزا حبیب الله -

جلائی - شریعت زاده - حاج شیخ بیات - بهار

جهانشاهی - سلطان محمد خان - زنگنه - محمد ولی میرزا

رئیس - آقای مرتضی قلیخان بیات را غائب بی

اجازه نوشته اند استیفاء شده است

جلائی - بنده را دیر آمده بی اجازه نوشته اند. در

صورتیکه آقایان در باین ما را معطل می کنند آقا سید

محمود هم بالا است باین را نمی بینند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرضم این است که اعطاء

خواندند در صورت مجلس در صورتیکه اعطاء است

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - لایحه متخصصین مالی مطرح است مذاکرات

هم در ماده اول است. آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده در ضمن کلیات می خواهم یک

نکته مهمی را که تعلق باسناد لایحه دارد عرض کنم

و بنظر بنده بدون وضوح آن مطلب اصلاً مطرح شدن و

مورد بحث شدن لایحه یک قدری کار زیادی بنظر می آید در

آنجا فرصت نشد عرض کنم ولی حالا چون در ماده اول همان مطلب

است یعنی استخدام نفر برای چهار کار است عرض میکنم.

اعتقاد بنده این است که ما نباید ترتیب سابق و متبع

خودمان را که در مجلس راجع باین قبیل کارها داشتیم

از دست بدهیم. اخیراً ترتیبی رایج شده است که میگوید

جدیدی بیاورد بمجلس که من فلان شخص را پیدا کردم و با او مذاکره کردم ولی آن شخص اینطور میگوید و باز یک کاری را ما باید از سر بگیریم. بنده لازم میدانم که دولت رسماً در مجلس شورای ملی اظهار کند (نه در این مورد بلکه در هر موردی که بخواهند کسی را استخدام کنند باید قبلاً با او مشورت کنند) که آیا کسی را پیدا کرده اند و در این مواد با او موافقت حاصل کرده اند یا خیر؟ اینها هم باید این جا گفت که ما نمی خواهیم یک کسی را استخدام کنیم (او اگر چه علم هم داشته باشد) که فقط بواسطه آن پولی که ما باو میدهیم برای ما کار کند. (مثلاً بگوئیم صدی ۵۰ شاید بیشتر یا دو برابر آن چه که در مملکت خودش باو پول میدهند در اینجا هم باو داده شود که ما پول بدهیم او هم برای پول بیاید اینجا) خیر این را ما نمی خواهیم ما در گذشته امتحانات داریم از ملل مختلفه که دولت ایران استخدام کرده است بنده نمیخواهم اظهار بکنم که کی خوب کار کرده است کی خوب از عهده کارش بر آمده و کی بد کرده است این را نمیگویم ولی یک یادگاری در ذهن یک ملت باقی می ماند از ملتی که چندین دفعه از آنها استخدام کرده و خوب از عهده کار بر آمده و همچنین کسی که خوب از عهده کار بر نیامده پس باید یک کسی را که استخدام میکنند. این مطلب را هم تشخیص بدهند که وقتی یک کسی را استخدام میکنند او باید هم شرافت خودش را و هم تا اندازه شهرت و شرافت و خوش نامی ملت خودش را در کروآن کارش بداند و فقط اینجا برای پول نیاید و بداند این کار از عهده اش ساخته است و میتواند این کار را بکند یا نه؟ و واقعاً هم اگر پیشرفت ازش نداشته باشد بگوید نمیدانم و نمیتوانم و الا نه تنها حق ما را تضییع کرده است و نه تنها شکست بخودش داده است بلکه یک سوء شهرتی هم برای ملت خودش حاصل میشود و البته آنها هم باین قسمت ها مقیدند و این

کار را قبلاً ملاحظه میکنند و اگر این طور است و بدانند که از عهده نمی توانند برآیند قبول نمیکنند پس وقتی که او مطالعه کرد و دید که با این شرایط نمیتوانند از عهده برآیند و یک لایحه جدیدی در حدود اطلاعات خودش پیشنهاد کرد آن وقت ما محتاج هستیم که یک لایحه جدیدی بنویسیم و کار را از سر بگیریم پس بعقیده بنده بهتر این است که پیش از آنکه مجلس داخل در این موضوع و داخل در این مواد بشود دولت اظهار کند که باین اشخاصی که معین شده اند بر روی این مواد موافقت حاصل شده است یا نه؟ این یک قسمت یک قسمت دیگر از ملاحظات بنده در ماده اول راجع به مستشار است بعضی از آقایان هم اظهار کردند که این مستشار مستشار مالی و اقتصادی است بنده گمان دارم که (البته تصدیق می کنم) ملاحظه دولت در این باب یک اندازه صحیح بوده است آدمی که تمام امور اداری و خزانه و مالیه و امضای حوالات و همه چیز را در دست او بگذارند شاید سرش اندازه کافی فارغ نشود که لوائح خوب اقتصادی و مالی تهیه کند و نقشه هائی برای اصلاح امور مالی مملکت تنظیم نماید از طرف دیگر بعقیده بنده برعکس این هم مفید نیست یعنی اگر این شخص هیچ خودش در کار دخالتی نداشته باشد و به نشیند به بیند که دیگران دارند چه کار میکنند بدون این که او هم دخالتی داشته باشد هیچ فایده ندارد این شبیه بیک آدمی است که چندین سال در کنار حوض یا اصطخری بایستد و تماشا کند که شناگران چطور شنا می کنند اما او اولین دفعه که توی آب رود غرق میشود. خیر باید این شخص خودش هم داخل در کار باشد که بداند چکار باید بکند و بداند که کجاها میبایستی بکنند و تجربه حاصل بکنند و بداند که کجاها میبایستی اصلاح شود و چه باید کرد که جریان امور سریع تر باشد. مگر در همین مجلس صحبت شده نمایندگان دولت که در امور مسئولند وقتی که از شان سؤال میشود که مسئله راجع بفلان کار چه کردید شروع کردید یا نه؟

میگفتند که بلی شروع کردیم ولی در مقام عمل برخوردیم به بعضی اشکالات و اصلاحات که لازم است آنها تفسیر بشوند. این طوری هم که فعلاً اینجا پیش آمده است که فقط نقشه بدهد و از آن طرف هم هیچ ارتباط دیگری با آن سه نفری که استخدام میشوند نداشته باشد خوب نیست از آن طرف آن ارتباطی که آقای وزیر مالیه برروز اظهار کردند بدرجه که منتها آن های دیگر مسئول او باشند و بس و هر چه او بگوید آن ها بکنند این شاید خوب نباشد ولی از طرف دیگر هیچ ارتباطی هم نداشته باشند فایده ندارد مثل این است که چهار نفر آدم بیاورند برای چهار کار مختلف یکی برای وزارت مالیه یکی برای وزارت عدلیه بی ارتباط این هم البته خوب نیست، در صورتیکه این چهار نفر برای امور مالی استخدام میشوند البته باید بین آنها يك قدر جامعهی هم باشد و يك ارتباط هائی وجود داشته باشد و آن مستشار مالی هم در جریان امور آنها نظر و اطلاع صحیحی داشته باشد. بعقیده بنده انوقت مستحسن است و اگر غیر از این باشد ما فایده نمیبریم ولی اگر به مجرد نشستن و فکر کردن وسیر کردن و رفتن در کوچه ها و دهان بخواهد بما نقشه بدهد مثل آن نقشه مطلوبی که يك کسی بخواهد در ضمن عمل بماها بدهد نمیشود. يك قسمت دیگری که در ضمن این قانون دیده میشود باز راجع باین ۴ نفری است که در ماده اول ذکر شده است راجع بادارات محاسبات و تفتیش و وظایفی در قانون معین نشده است در صورتیکه همانطور که در ماده آن دو نفر وظایفی معین کرده اند در اینجا هم لازم است که در ماده اول ذکر بشود که بشود درست رای داد و بدانند که این مسئولین اداره محاسبات و تفتیش و وظایف شان چه چیز است؟ و چه کاری دارند؟ و مشروحاً باید معلوم شود. يك نکته دیگر که خیلی مهم است و یکی از آقایان هم مشروحاً بیان فرمودند و بنده هم مختصر عرض میکنم این است که وظایفی که برای خزانه دار کل معین شده

است خیلی خوبست و برای جریان امور مالی مفید است ولی يك نقص دارد و آن نقص نظارت در خرج است که این شخص هیچ نوع نظارتی را بنده در خرج نمی بینم که در نوبت این قانون برایش نوشته باشند. و این صحبت هائی که بعضی وقت ها این جا میشود بنده بطور کلی میخواهم جواب عرض کنم. این مطلب را باید قبلاً کاملاً دقت و مطالعه کرد و مطابق آن يك قرار داد وقتی که در روی کلیات بحث میشود بعضی اوقات بعضی از آقایان اشتباه می کنند و باید بطور کلی جواب داده شود يك کسی میگوید: که چون ما کار های خودمان را نمی توانیم اداره کنیم باید از خارجه مستخدم بیاوریم و يك کسی دیگر میگوید خیر اینطور نیست ما همه کار های خودمان را خودمان خوب میتوانیم اداره کنیم و بخارجه محتاج نیستیم اینها تمام کلیات است درست است ما تمام کار های خودمان را خودمان می توانیم اداره کنیم ولی وقتی که بيك مطلبی میرسیم می بینیم که بيك استعانتی هم لازم است از خارجه بخواهیم و برای يك گوشه از کار های خودمان آنها را هم بخواهیم بدون آن افاده ها و تشخصاتی که از قدیم مانع ترقی ما و هم چنین بعضی از ملل شده بود و ترقی نکرده بودند البته ما هم باید عزت ملی داشته باشیم ولی خود پسندی مفرط نباید داشته باشیم ما باید آن چه را میدانیم استعانت کنیم از ابگران یاد بگیریم مثل اینکه اولاً ما بيك دولت داریم که مراقبت میکند که این مخارج مطابق بودجه بعمل آید ما انکار نداریم و میدانیم دولت مراقبت میکند و نمی گوئیم مراقبت نمیکند ولی چرا مجلس شورای ملی ایجاد کرده اند؟ برای اینکه بيك مراقبت ثانوی هم از طرف نمایندگان ملت در آن بشود. باز بيك دیوان محاسبات ایجاد کرده اند. بيك لایحه تفریح بودجه برقرار کرده اند اینها تمام برای استخکام کار است پس وقتی که ما در خزانه داری یا مستشاری بيك نفر را میگوئیم بیاید تنها برای این نیست که از زیر نظر او بگذرد به بینه

خوب است یا بد یا نظر داشته باشد که مطابق بودجه است که تصویب شده است و باید داد بلکه باید نظارت کند که آن پول در همان محلی که قانون معین کرده است خرج میشود یا نه؟ بيك نظری هم او باید داشته باشد و این فقط موجب تکمیل فایده و مرمت کردن کار خودمان است این هیچ نه ربطی باین دارد که ما همه کار را ما خودمان بلدیم و نه اینکه هیچ کار را خودمان بلد نیستیم. این بود عرایض بنده وزیر مالیه - سؤالی را که نماینده محترم فرمودند راجع به اینکه آیا مذاکرات قبلی با این اشخاص شده است یا خیر؟ مذاکرات قبلی بسته باین است که در چه قسمتی از این لایحه باشد؟ لایحه دو قسمت است یکی خصوصی و شخصی از قبیل حقوق و تابعیت و ملیت و اینها و دیگری اختیارات. راجع به اختیارات اساساً در مذاکره قبلی در قانون نظر طرف مقابل را نبایستی خواست و لازم ندارد آن میزانی است که خود مملکت و خود دولت و خود مجلس هر اندازه را که لازم می داند باید بدهد لایحه قبل را که اشاره فرمودند معایبی که از آن حاصل شد بواسطه همین بود که در اول استخدام این رعایت را نکردند و با مذاکره بيك چیز هائی را اصلاح کردند که بعد زائد بنظر آمد پس در این صورت هم میشود گفت که مذاکرات قبلی شده است و هم میشود گفت که نسبت باین قسمت از اختیارات مذاکرات قبلی نمیخواهد باید بعد از آنکه مجلس رأی را داد و معلوم کردند که آنچه میزان میخواهد اختیار بدهد روی آن دولت با اشخاص مذاکرات لازم را میکنند نسبت بقسمت ارتباط که فرمودند این متخصصین مالی با متخصصین دیگری که در مالیه هستند ارتباطشان معلوم نیست. ارتباط و تمرکز تمام مستخدمین در بيك وزارتخانه باید بتوسط شخص مسؤل باشد که وزیر وزارتخانه است متخصص در حقیقت پهلوی دست وزیر است و زیر دست وزیر است و با وزیر کار میکنند و هر دستوری که وزیر بآنها بدهد متخصص هم از آن

استفاده می کند و در ضمن این مواد هم چنانکه در روز اشاره کردم بيك اصلاحاتی با موافقت آقایان خواهم کرد و باید این جمله را بيك قدری روشن تر کنیم نسبت بدو نفر متخصص دیگر محاسبات و تفتیش فرمودند که وظایف آنها روشن نیست برروز بنده در ضمن مذاکرات عرض کردم حالا هم بطور اختصار تذکر میدهم که هر متخصص و مستخدمی را که از خارج می آورند در ضمن کنترالتش وظایف خاص او را نباید معین کرد. رئیس محاسبات برای چیست؟ البته برای این است که محاسبات این مملکت را مطابق قوانین مملکتی و نظامات اداری اداره بکنند این دیگر لازم نیست در کنترالت او نوشته شود که وظایف تو چه چیز است نسبت به نظارت در خرج هم که آقا فرمایش فرمودند در ماده ۸ این لایحه برای نظارت او ترتیبی داده شده است و اگر چنانچه باز هم بيك نواقصی بنظر آقایان می رسد ممکن است در ضمن مواد بطور پیشنهاد اظهار کنند تا درش بحث شود

رئیس - آقای نامداد

نامداد - این لایحه را وقتی دو قسمت کنیم بيك قسمتش راجع است باین که مستشار نظریات خودش را بگوید یعنی هر وقت که مورد مشاوره شد چیزی که به عقلش میرسد بگوید. بيك قسمت هم راجع باین است که پولهای را بيك خزانه دار بگیرد و مرکزیت بدهد در بيك جا و بر طبق قانون بپردازد ولی در این میان آیا آن قسمتش که راجع به اصلاح تشکیلات است کجا است؟ بنده نمیدانم و در این لایحه نیست. بنده خیلی خوشوقت هستم از اینکه از مذاکرات در کلیات جلسه قبل و جلسه حالا بيك قدری مطلب روشن شد بنده از فرمایشات خود آقای وزیر مالیه در جلسه سابق استفاده میکنم حتی در جلسه قبل انصافشان تا این اندازه رسید که فرمودند ما سه اداره محاسبات داریم ولی بيك حساب صحیح نداریم این مسئله است که خیلی مهم

است و باید يك كاوې كرد كه ما يك اداره محاسبات داشته باشیم و حسابهایمان هم صحیح باشد امروز که ما عرض احتیاج میکنم بيك خارجي باید يك استفاده هائی هم از او بخواهیم و ازش لا اقل چیز یاد بگیریم باید این عمل را ما در نزد خودمان محاسبه کنیم که ما چه میخواهیم و چرا پول میدهیم؟ ما پول میدهیم؟ و باید استفاده هم از او بکنیم. بگنفر صندوقدار و يك نفر اظهار عقیده کن فقط برای ما کافی نیست و کار ما را اصلاح نمیکند و مفید نیست آن چیزی را که ما میخواهیم البته آقای وزیر مالیه بهتر از بنده می دانند که حقوق اداری یکی از حرفه هایش اینست که شخص مدبر کسی است که بپول کم و آدم کم خوب کار کند ولی بدبختانه یکی از عیوب مالیه ما این است که با پول زیاد و آدم زیاد کار خوب نمی شود قضیه مستشار آوردن و متخصص آوردن يك اقتباسی است که ما از دنیا کرده ایم و البته هم باید بکنیم شبیه هم ندارد ولی باید به بینیم دیگران چه کرده اند و چه جور استفاده کرده اند ما هم همان جور کنیم. اگر فرض این است که بطوری که آقای مخبر در جواب بنده فرمودند خیر بیاید و مطالعه کند و برود اوضاع عمومی را مطالعه کند و آن وقت بر طبق آن امور مالی خودمان را اصلاح کنیم. این صحیح است این را دنیا هم کرده است. صربستان وقتی که مستقل شد و از ترکیه سابق منفصل شد برای قانون اساسی خودش اولین شخص حقوقی فرانسه را آورد و آن شخص در مدت ۴۰ روز با يك حقوق زیادی و پول زیادی رفت و تمام صربستان را دید (که حالا بگویم سلاوی شده است) و بيك قانون اساسی برایش نوشت ما هم نود و سه سال دیگر نمی خواهیم از بيك شخصی مثل این دکتر ویلهلمی که اینجا هست بپرسید که عقیده او چیست و چگونه امور مالی ما باید اصلاح شود او هم بگوید و بيك پروژه بنویسد و بگوید عقیده من در اقتصادیات مملکت شما این است دیگر دو سال هم لازم نیست و این

تفصیلات را هم لازم ندارد و اگر واقعاً احتیاج عملي داریم که عمده اش بعقیده بنده تشکیلات است و بيك اداره محاسبات میخواهد که حساب صحیح بدهد خزانه داری صحیح می خواهد و بالاخره همه چیز میخواهد باید بيك اختیاراتی در حد و قانون و صلاح مملکت بآنها داد که بتوانند کار کنند. والا در این قسمت خوب است مستشاری را حذف کنید بنده هم حرفی ندارم خزانه داریش تا حدی خوب است و موافقت میکنم بنده نظر ندارم که حتماً خدای نکرده شما دبکتانور بیاورید که از این جهت حرف زخم و مخالفت کم خیر ولی بيك نفر آدم بی اختیار هم خوب نیست. هر دویش بد است و افراط و تفریط است. بنده عرض میکنم با این مستشار را بکلی حذف کنیم و هیچ نخواهیم یا اگر هم می خواهیم بيك پروژه هائی تهیه کنید این همه تفصیل لازم ندارد بيك پروژه هائی هست از میناژ اسمیت بيك پروژه گذاشته از آن رو عمل کنید مسیو بیزو بيك پروژه گذاشته از آن رو عمل کنید و الا اگر نخواهید بيك نفری را بیاورید که قابل استفاده باشد این نیست. حالا آقای وزیر مالیه يك وعده هائی فرمودند که اصلاحاتی می کنیم که بشود ازش استفاده کنیم باشد تا به بینیم مخبر - عرض کنم که بطور خلاصه دولت اینجا این طور نظر داشته است که بيك نفر را مسؤول امور جاری مالی مملکتی بکند یا بيك سلسله اختیاراتی که صلاح مملکت باشد البته اگر آن اختیارات غیر کافی بود باید درس بحث کرد و پیشنهاداتی کرد و آن اختیارات را زیاد کرد و اما راجع بخزانه دار که فرمودند. اختیاراتی که سابقاً در تحت عنوان رئیس کل مالیه موجود بوده است برای امور مالی این اختیارات داده میشود بخزانه دار کل بيك نفر را هم لازم دانسته اند استخدام نمایند برای مطالعه در امور مالی و اقتصادی این مملکت و نوشتن پروژه های مفید این شخص باید بکلی فراغت بال داشته باشد و داخل در هیچ گونه اصطلاحی

نباشد و در حقیقت همان طوری که خودتان فرمودید بيك نوع معلم و بيك نوع مشاور است در حقیقت مثل همان مسیو بزنی است که مثال زدید که باید بیاید و بنشیند و تهیه قوانین بکند و پروژه هائی بنویسد که برای امور مالی مملکت مفید و نافع باشد (منتهی متناسب با وضعیت این مملکت) و آنها را بدهد بدست دولت و بتوسط آن کسی که اختیارات بدست او داده میشود اجرا کند و البته این را باید تصدیق کرد که اگر بيك نفر مسؤول هر دو قسمت باشد هر دو کارش خراب و ناقص میباشد حالا در تحت هر عنوانی که میخواهید اسم خزانه دار را رئیس کل مالیه بگذارید و چون اختیارات او داده شود با همان خزانه دار باشد ولی ضرری ندارد که خزانه دار باشد که پول و وجوهات و حوالجات در دست او باشد و تمرکز بدهد و تصور نمیکند که این نظر میانین با نظر آقایان باشد معیناً اگر آقایان بيك نظریات مفیدی دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند که اصلاح شود و زودتر قانون بگذرد

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - البته آقایان نمایندگان محترم متذکر هستند که این لایحه یکی از لایحه مهمه است و فوق العاده باید مورد توجه واقع شود زیرا اگر ما موفق باصلاحات مالی و اقتصادی مملکت بشویم خیلی پیشرفته ایم و این بيك مقدمه ایست برای موفقیت مملکت البته هر قدر در این قسمت تدقیق شود آن نتیجه بهتر تأمین می شود. بنظر بنده تفکیکی که در این ماده شده است معنی ندارد که از دو مملکت مستخدم بیاورند. این بنظر بنده صحیح نیست زیرا اگر اطلاعات صحیحی هم داشته باشند باز در عمل با هم اصطکاک پیدا میکنند. البته تصدیق مینمایم که اصول مالی و کیفیت امور اداری در دو مملکت مختلف است و طرز ترتیب متخصصین در هر بيك از این دو مملکت و طرز عملشان با هم مختلف است بنابراین این احتمال اصطکاک و تصادم نظر بین آنها منقعی نیست و باین جهت هیچ

دلیلی به نظر نمیرسد که امکان باین موضوع نه تنها احتمال بلکه قطع میتوان حاصل کرد که در عمل و در حین اجرا انجام وظیفه عقاید آنها فرق میکند و کار را بتأخیر میاندازد و این قسمت را ما باید احترام بکنیم. بنده چیز مهمی را که می خواهم مورد توجه مجلس شورای ملی قرار بدهم این است اکثر آقایان در دوره ۵ تشریف داشتند و شاید در نظر داشته باشند که بنده گفتم اصولاً در استخدام متخصص موافق نیستم و موافقت فعلی بنده هم از این جهت است که هم این وضعیت فعلی را حفظ کنیم و هم بيك مهلتی در نتیجه حسن اداره بدست بیاوریم که موفق بشویم به تأسیس مدارس فنی و ترتیب عناصر ایران که بتوانند رفع احتیاجات مملکت را بکنند از این نقطه نظر عرض میکنم که ما مکلف هستیم که در هر لایحه این فکر را بکنیم بالاخره اگر بنا شد که ما بيك فکر اساسی نکنیم و بيك مدرسی که متخصصین مختلفه که این مملکت بآنها احتیاج دارد برای ما تهیه نکنند و در این مملکت وجود نداشته باشد مدرسه دار و در مختلفه و در آتیه همینطور باید متصل متخصص جلب کنیم ما بالاخره این فکر را هم باید بکنیم که بعد از دو سال بيك عده کافی از ایرانیان نداشته باشیم که بتوانند امور مالی ما را اداره کنند باز باید بيك عده را مجدد بیاوریم از این جهت بند معتقدم که مجلس شورای ملی وظیفه دار است که بيك مدتی را معین بکند که در آن مدت تهیه عناصر ایرانی و افراد متخصص ایرانی رفع احتیاجات این مملکت ممکن باشد و در آن مدت اختیاراتی باشخصی که صلاحیت داشته باشند داده شود و آن کارها را اداره کنند و در ضمن آن کار اشخاصی را هم ما برای خودمان تهیه کنیم. بنده مخصوصاً خواستم این قسمت را تذکر بدهم و از دولت توضیحاتی بشنوم دائر بر اینکه آیا در این مسئله اساسی فکری کرده اند؟ آیا در فکر تهیه عده محصلین کافی ایرانی که بتوانند رفع احتیاجات مملکت را بکنند هستند یا نه؟ البته بیان توضیحات یا وعده راجع باین مسئله خیلی امید بخش است قسمت دیگری که

بنده متوجه آن شدم آقایان نمایندگان محترم دیگر هم فرمودند مسئله معین نشدن وظایف رئیس محاسبات و تقشیش است البته از نقطه نظر يك مفهوم كلي ميتوانيم بگوئيم رئیس محاسبات باید رسیدگی بحساب بکند و همچنین مقش با بستی تقشیش بکند ولی تصور میکنم بواسطه اهمیت اساسی این لایحه لازم است که اصول وظایف آنها در اینجا ذکر شود بعلاوه مطابق اطلاعاتی که بنده بدست آورده ام متخصص عالی مقامی که فعلاً در اینجا هست يك مطالعاتی کرده و تصور میکنم بهمان دلایلیکه ما تشخیص دادیم که احتیاج داریم بمتخصصین خارجی بهمان دلایل خیلی مناسب بنظر میآید که چنین متخصصی که هست نظر او هم جلب شود از طرف دولت راجع باینکه آیا صلاح ما در جلب متخصصین و تعیین اختیارات آنها چیست؟ این مسئله خیلی اهمیت دارد و تصور میکنم که اگر دولت حاضر میشد با همین متخصص مذاکراتی میکرد و رضایت او را در ادامه خدمت در ایران جلب میکرد خیلی خیلی خوب بود و خیلی میل دارم دولت اگر در این باب تحقیقاتی کرده است و نظر او را جلب کرده است توضیح بدهد اگر نه ممکن است تقاضا بکنیم از آقای وزیر مالیه راجع بخصوصیاتی که رعایتش در این لایحه ضروریست با این متخصص عالی مقام هم مشورتی بکنند اگر هم کرده باشند ممکنست بفرمایند

رئیس -- آقای رفیع

رفیع -- فرمایش اول نماینده محترم این بود که من صلاح میدانم که از دو مملکت متخصص بیاوریم اینجا و خوبست که از يك مملکت بیاوریم. بنده عرض میکنم که ما به تجربه آموخته ایم بالاخره اگر از دو مملکت باشد برای ما بهتر است برای اینکه اتفاقاً ما از يك مملکت آورده ایم و هیچ آن فوایدی را که انتظار داشتیم نتوانستیم از آنها ببریم اگر چنانچه از دو مملکت باشد اصلاً حس رقابت حس است که هر دو را بکار و امیدارد همین خدمتگذاری بلژیکیها را با سایر مستخدمین ممالک

دیگر مقایسه فرمائید ثابت میکنند این خودش بهترین دلیلست برای ما، که از دو مملکت استخدام شود بهتر است برای ما تا این که از يك مملکت باشد. فرمودند بایستی ببینیم ما تا کی محتاج هستیم بمستخدم خارجی، بنده گمان میکنم که مجلس شورای ملی با دولت نتوانند اینجا وقت را معین بکنند مادامی که متخصص نداریم و يك اشخاصی را تربیت نکرده است مملکت ما محتاج هستیم باینکه بوسیله دیگران احتیاج مملکت ما را رفع کنیم. ما بالاخره امروزه محتاج هستیم و خدا بکند يك سال دو سال دیگر احتیاج ما رفع شود ولی امروزه ما بیائیم تعیین بکنیم که تا چند سال دیگر ما محتاج هستیم بمتخصصین خارجی بنده گمان نمیکنم که هیچ کسی بتواند این پیش بینی را بلند و عجالتاً برای این لوایح مهمه و برای کشف این گنج هائی که زیر مملکت ما مدفونست و همین حال بقیست و بالاخره تا با این حال فلاکت زندگی میکنیم ما يك اشخاصی را لازم داریم که در تحت يك لوایح و افکاری ما را از این فقر بیرون بیاورند و مملکت را بحال غناء تبدیل کنند. آن اشخاص را خود آقا تصدیق میکنند که نداریم با این مدارسی که عجالتاً هست ولو شاگرد کلاس دوازده را هم تمام کنند چنین متخصصی را از شما نمیتوانیم در آوریم این آقایان ایرانی هم که سالها در زبردست این آقایان اروپائی کار کرده اند و در نتیجه مبینم که يك نفر ایرانیکه بتواند قائم مقام آنها بشود رای ما پیدا نشده است پس مستعی شدن از مستخدمین خارجی عجالتاً برای ما غیر ممکن است انشاء الله آرزو مندیم که يك روزی برسد که ما محتاج نباشیم يك متخصص خارجی داشته باشیم، راجع بوظایف مقش و رئیس محاسبات فرمودند، بنده گمان میکنم آن اندازه وظایفی که برای آنها لازم بود قید شود در لایحه ذکر شده است و جزئیات زندگی آنها را نباید در این جا ذکر کرد که چطور راه بروند و چکار بکنند اینها را دولت معین میکند البته هیئت دولتی که پیشنهاد میکند بمجلس شورای ملی که این متخصصین را

مجلس رأی بدهد بیاوریم اینجا برای آنها يك تکالیفی معین میکند و آنچه را که صلاح بداند دولت برای خاطر کار کردن در مالیه بالاخره بآنها دستور خواهد داد رئیس تقشیش و رئیس محاسبات آن کارهائی که باید بکنند خواهند کرد و لازم نیست که در لایحه مقید باشد راجع باین متخصص عالی مقام فرمودید این شخص خیلی مرد محترمی است و خود دولت هم میل دارد ایشان را نگاه دارد ولی گمان میکنم که این شخص اینجا بماند يك کارهائی در خود محل دارد يك خدماتی بدولت آلمان کرده است بعد از جنگ يك خدمات مهمی در آنجا کرده که ممکن نیست بگذارند بیاید. البته با توافق نظر ایشان يك متخصصی را میآورند و با مشورت ایشان این کار انجام میشود و این لایحه نوشته شده است و متخصص جلب میکنم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- يك لوایح مهمه ای که بمجلس شورای ملی میآید و می بینیم وجهه موافقت و مخالفت از طرف موافقین و مخالفین نسبت بآن لایحه داده میشود بنده حقیقه متأسف میشوم زیرا که بنده تشخیص داده ام لوایحی که بمجلس میآید روی مصالح درش ما مشور می کنیم یا قطع نظر از موافقت و مخالفت دولت (ابتدا مشورتی که در اطراف لوایح میشود و مذاکراتی که میشود مربوط بموافقت و مخالفت با دولت نیست بنده شخص خودم اگر چنانچه اظهار عقیده ای بکنم از نقطه نظر مخالفت با دولت (نه از نقطه نظر مصالح عمومی) خودم را خائن میدانم این يك نوع خیانتی است....

آقا سید یعقوب -- علامتش چه چیز است

کازرونی -- علامتش این است که رجوع بنفس خودتان بکنید اگر شما مثل من هستید آنطور است و اگر غیر از آن هستید غیر از آن است که من گفتم پس بنابراین بنده عقیده دارم که همه ما صمیمانه بایستی در اطراف يك لایحه که بمجلس می آید مشورت بکنیم و اگر يك مخالفی

اظهار عقیده بکند باید از روی صحت اصفا شود و اگر کسی هم جواب بدهد از روی صحت جواب بدهد بنده عقیده ام این است که این لایحه و این اختیارات که در این جا باین متخصص عالی مقام داده شده سوای کلمه «عالی مقام» چیزی نیست فقط يك کلمه «عالی مقامی» در این جا باین متخصص عالی مقام داده شده است ما باید از گذشته ها عبرت بگیریم ببینیم متخصصینی که آورده ایم چه استفاده ای از آنها کرده ایم و آنها چه خدمتی توانستند انجام دهند و خدماتی که انجام داده اند در نتیجه چه اختیاراتی بود که داشتند: يك متخصصینی آوردیم يك اختیارات خیلی محدودی داشتند که کلمه «مستشاری» به ایشان اطلاق میشد و بنده وزیر و وزیران می خوانم وزیر وزیر بودند و آنها نتوانستند يك کار های قابلی بکنند اما اگر چنانچه يك اختیارات نامی داشتند و موافقت کامل شد يك استفاده هائی هم از ایشان شده همان طوری که گفته شد بنده معتقد نیستم که بکنفر آدم با تمام اختیارات و بعنوان دیکتاتور وارد کنیم خیر اما بایستی يك حکومتی بهش بدهیم که او بتواند يك خدماتی را در حدود اختیارات و حکومتی که دارد از روی معلومات خودش بما کرده باشد در دوره سابق که میخواستند مأمورین مالیه یعنی مستخدمین بجهت امور مالیه بیاورند قانونش که مطرح میشد بنده در بسیاری موارد مخالف بودم حضرت والا موافق بودند و مدافع بودند از طرف کمیسیون و مخبر بودند، بنده چنین نظرم میآید. بنده خیلی هم عصبانی بودم و میدیدم اختیاراتش خیلی زیاد است

زوار -- عجب!

کازرونی -- راستی هم زیاد بود حالا در نتیجه چه شد و چه نشد کار ندارم حالا بالعکس اینجا آمده ام عرض میکنم که اختیارات این متخصص عالی مقام خیلی خیلی کم است هیچ قابل استفاده نیست و میخواستم این مسئله را عرض کنم که دلیل اینکه میگفتند ما محتاجیم

متخصصین مالی آن دلیل قوی که برای بنده اقامه میکردند این بود که اگر از خود ما یک اشخاصی موجود باشند و بتوانند و قدرت علمی و عقلی داشته باشند که اداره کنند محظورات داخلی بآنها مجال و فرجه نمیدهد بخلاف متخصصین مالی که از خارجه می آوریم محظورات داخلی مانع از انجام آنها نمیشود این قویترین دلیلی بود که برای ما اقامه میکردند اگر تشخیص داده اند آقایان که آن محظوراتی که مانع بود که خود ما حقیقه یعنی اشخاص مقتدر ما اداره کنند اگر آن محظورات مرتفع شده است حالا بسیار خوب یک نفر مستشار بیاورید یک نفر آدمی که وزیر از فکر آنها استفاده کند و بس. ولی اگر مرتفع نشده است خدای نکرده و مثلاً بنده و امثال بنده آنوقت یک تقاضا هائی دارند و ردش اسباب زحمت میشود و ایجاد زحمت و اشکال میکند پس یک اختیاراتی بهشان بدهیم لیکن البته این اختیارات را که میدهیم اگر یک وقتی یک اختلاف نظری پیدا شد حلش باید در هیئت وزراء بشود در هر صورت بنده تصور می کنم که بالاخره با این اختیارات ما هم نتیجه از این متخصصین نمیتوانیم بگیریم و علاوه همانطور که گفته شد بنده هم هیچ عقیده ندارم که از دو مملکت ما مستخدم بیاوریم بجهت اینکه ساختمان فکری اینها فرق میکند و شاید این بالاخره اسباب اختلال کار بشود و دلیل ندارد اگر چنانچه ما یک مردمی را استخدام بکنیم که طرف اعتماد و اطمینان ما هستند همه بایستی از یک ملت باشند و توافق نظری فی مابین خودشان باشد که از فکر همدیگر در مواقع لازمه بتوانند استفاده کنند، یک عرض دیگر بنده در خصوص مدتش است بعقیده بنده دو سال کم است یعنی یقین دارم که تا دو سال دیگر رفع تمام احتیاج ما از استخدام خارجها نمیشود، یقین دارم ها! میتوانم قسم بخورم برایش، پس بنا برین دو سال چرا؟ آخر در مدت دو سال این آدم نازه وارد، نازه مهمان، مشغول

مطالعه است هنوز مطالعات او تمام نشده است که کنترالتش تمام میشود، وقتی او مبرود باز دو مرتبه یک کس دیگر بیاوریم؟ این که تعریفی ندارد، پس این دوسالی که این آدم مطالعه کرده بکلی بیپرده و هدر میشود عقیده ام این است که افلا بایستی سه سال باشد که یک سال قرار بدهیم برای مطالعه و دو سال هم برای عمل دیگر حالا در باب حقوقش عرض نمیکنم باشد هر چه هست.

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - پس بفرمائید

زوار - تصور میکنم در اینکه ما اشد احتیاج را برای مستشار خارجی داریم شك و شبهه نیست و باندازه کافی هم در این خصوص مذاکرات شده دو روز است که ما روی یک ماده واحد داریم صحبت میکنیم و چون بنده این جا نبودم که آقای کازوونی فرمایشاتی فرمودند فرمایشاتشان را یاد داشت بکنم اکتفا میکنم باینکه عرض کنم که این اندازه روشن شده است که این مستشار بسیار لازمست برای ما در این صورت گمان میکنم آقایان مساعدت بکنند و مذاکرات کافی باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیست

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم کلیه متخصصین خارجی مذکور در ماده اول از آلمان استخدام شوند

رئیس - بفرمائید

احتشامزاده - بطوریکه چند نفر از آقایان نمایندگان محترم هم تذکر دادند گمان میکنم اختلاف ملیت بین متخصصین مالی قهراً موجب اختلاف نظر بین آنها میشود و اختلاف نظر هم در بین يك عده که در يك وزارتخانه مشغول

کارند بعقیده بنده موجب اختلال امور آن وزارتخانه میشود و معتقد هستم برای این کار هائی که مربوطست باینها با یک موافقت نظری انجام شود و ما بتوانیم از آن موافقت نظری که دارند در کارهای يك وزارتخانه از آنها استفاده بکنیم موافقت کنند که از يك ملت باشد و اینکه پیشنهاد کردم از مملکت آلمان استخدام شود برای اینست که آلمانها در امور اقتصادی و مالی فوق العاده مهارت دارند مخصوصاً بعد از جنگ این مسئله مسلم شده که اگر مهارت آلمانها در امور مالی نبود با آن مغلوبیتی که داشتند و با آن تحمیلات فوق العاده که بآنها شده بود نمیتوانستند مملکت خودشان را حفظ بکنند و این مسئله خودش بهترین دلیلست که اتباع آلمان و اشخاص متخصصی که دارند در امور مالی و اقتصادی از سایر ملل بهتر میتوانند کار کنند و بعلاوه دولت آلمان وضعیت زندگانیشان طور است که ارز آنرا تمام میشود. ولی سویی یک مملکتی است که زندگانی درش گران است و قطعاً اشخاصی که بخواهند از مملکت خودشان خارج بشوند برای اینکه بیک مملکت دیگر برای کار بروند باید حقوقشان دو برابر حقوق و عوائد محلیشان باشد تا بیایند وقتی از یک مملکتی که زندگانی آنها خیلی گران و وقت اشخاص گران باشد مستخدم بیاوریم باید یک مبلغ زیادی بدهیم تا متخصص بیایند و بنده تصور میکنم که اگر از آلمان بیاوریم بهتر باشد اشخاصی که در آلمان با آن قیمت ارزان مستخدم بوده اند خوب میتوانند خدمت کنند اینست که بنده از نقطه نظر اینکه وحدت ملیت بین متخصصین مالی باشد که ایجاد اختلاف نظر در امور مالی نشود (و آلمانها هم که در امور مالی و اقتصادی مهارت دارند) پیشنهاد کردم که این چهار نفر متخصصین از مملکت آلمان بیایند

وزیر مالیه - در ضمن مذاکره در کلیات در این

قسمت اظهار عقیده شده بود البته همان طوری که

اشاره می فرمایند متخصصین خوب در آلمان

هستند ولی در جا های دیگر هم هستند دولت با يك مطالعه هائی این نظریه را اتخاذ کرده است و تقاضا میکنم از آقای احتشامزاده که پیشنهادشان را استرداد کنند و بگذارند این لایحه با همین ترتیبی که در جریان است بگذرد

رئیس - عده برای رأی کافی نیست

احتشامزاده - مسترد میکنم

رئیس الوزراء - آقای بحی خان گوزلو اعتمادالدوله سابق را معرفی میکنم بوزارت معارف . .

بعضی از نمایندگان - بسیار خوب. خیلی خوب است صحیح است .

رئیس الوزراء - آقای میرزا قاسم خان هم که کمال مراقبت را در کارهای خودشان داشته اند معرفی میکنم بوزارت پست و تلگراف . .

چند نفر از نمایندگان - صحیح است، بسیار خوبست رئیس الوزراء - و آقای ناظم الدوله هم که علاوه بر سایر خدمات یک دوره هم وکیل بوده اند معرفی میکنم بمعاونت خودم.

نمایندگان - بسیار خوب، صحیح است

رئیس - آقای ارباب کیخسرو همین پیشنهادی که آقای احتشامزاده کرده بودند عین آن پیشنهاد را کرده بودید ایشان مسترد کردند

ارباب کیخسرو - ایشان فقط از آلمان پیشنهاد کرده بودند و بنده تغییری در آن داده ام

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول نوشته شود

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اختیار میدهد که بکنفر متخصص عالیمقام مالی و اقتصادی از اتباع آلمان برای مدت دو سال استخدام نماید

فیروز آبادی - آرزوی بنده و همه ملت ایرانست که

یک وقتی انشاءالله برسد که ایران در هیچ کاری محتاج

بخارج باشد و از خودش يك عده را تربیت کرده باشد که بتوانند لا اقل کارهای مالی را اداره کنند. کارهای مالی ما اینقدر کار مشکلی نیست چونکه عایدی نمان چیزی نیست که محتاج بخارج باشد ما هم قریب سه کرور پنج کرور شش کرور هم از گمرک و اینها گرفته میشود که متخصص سرکارش است و همه این هیاهوها و صحبتها سرهنت و هشت کرور ده کرور مالیات ارضی و خرج کردن این پول است حالا بنده با آرزوهای که دارم و می ترسم که همین طور بدلم بماند تا آخر عقیده ام این است که يك نفر متخصص عالی مقامی که از آلمان یا آن شرایط و اوصافی که نوشته اند و میگویند اگر ما استخدام بکنیم براین کیفیت بکند و بجهت آن سه قسمت دیگرش هم که سه نفر دیگر را می خواهند استخدام نمایند کان میکنم که در تحت نظارت همین متخصص عالی مقام ممکن است که دو سه نفر از ایرانیها را آورد و در سر این کارها گذاشت اما چیزی که باید برقرار باشد در خیانت مجازات و در خدمت پادشاه است...

چند نفر از نمایندگان - صحیح است

فیروز آبادی - اگر این جور شد ما بهمان يك نفر متخصص عالی مقام هم میتوانیم اکتفا بکنیم و محتاج به سه نفر دیگر نیستیم باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم که حالا که همه میگویند لازم است و ضروریت و چاره نداریم خیلی خوب همان يك نفر متخصص عالی مقام را در نظر بگیرند و استخدام نمایند و کارهای آن سه نفر را که معین شده است درین لایحه در تحت نظارت آن يك نفر قرار بدهند و او را مسؤول آنها قرار بدهند مشروط بر اینکه آن ایرانیها هم مسؤولیت داشته باشند و مقتضای مسؤولیت با آنها رفتار شود که هر خیانتی کردند در عدلیه تطهیر نشوند و خیانت آنها از بین نرود ما اگر کسی خدمت کرد باین مملکت پادشاهی باو بدهند اینک خائن ترقی بکند خدای نخواستہ و خادم تنزل بکند شیروان مخبر کمیسیون بودجه - عرض کنم راجع به

آرزوئی را که فرمودند در رفع احتیاج از متخصصین خارجی هماطوری که گویا آقای بقی زاده هم اشاره فرمودند این را حتماً نمیتوان اسم گذاشت که ما همیشه محتاج هستیم یا تا فلان مدت هیچ محتاج نخواهیم بود در سایر جاهای دنیا استفادههایی از مالک دیگر میشود. تناسب متخصص و مناسبت اقتصادی و مناسبت سیاسی و غیر ذلک پس ما نمیشود بگوئیم که حتماً چون خودمان از عهده بر نمیآئیم و خودمان نمیتوانیم محتاج هستیم که از خارجه يك متخصصین بیآوریم، خیر، يك مسائلی پیش میآید که ما را مجبور میکند که يك استمدادی از متخصصین خارجی بطلبیم. و اما اینکه فرمودید بکنفر کفایت البته آقا تصدیق میفرمایند که برای امور اقتصادی و امور مالی و امور جاری و اموری که در آتیه ما میخواهیم استفاده کنیم يك نفر نه تنها کفایت نمیکند بلکه مضر هم هست یعنی همان نقض غرض خود ایشان است و باید ما يك پول بی ربطی بدهیم استفاده هم نکرده باشم در صورتی که ما میتوانیم از چند نفری که فعلاً دولت در نظر گرفته (۴ نفر) و بعقیده بنده هم کفایت و بیشتر هم هیچ لازم نیست) ما در هر رشته استفاده بکنیم و نتیجه بگیریم و اما اینکه راجع بآرانیها و مجازات و مکافات آنها فرمودند البته مسائل صحیحی است و باید بشود جایش هم در قانون مجازات عمومی است. البته آنجا آقا عقایدشان را میفرمایند که اگر يك کسی خیانت کرد آن را چه جور باید مجازاتش کرد عجبلاً متخصص خارجی را مجازاتی نمیکشیم برایش بنویسیم

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی، آقایان که موافقت قیام فرمایند

(فقط دو نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول در فقره سه بجای

عبارت «از سویس» نوشته شود «از آلمان» و در فقره چهار بجای «از آلمان» نوشته شود «از سویس» ارباب کیخسرو - در تعقیب عرایضی که بنده در جلسه قبل کردم و آقای وزیر مالیه هم فرمودند مطالعه میکنم البته نتیجه مطالعه خودشان را خواهند گفت ولی آن چیزی که باعث شده است که بنده این پیشنهاد را بدهم این است که متأسفانه بنده هنوز نفهمیده ام تکلیف نفتیش چیست آیا آن کسی که برای نفتیش معین میشود چه تأثیری در عمل خزانه و عمل محاسبات دارد از طرفی هم در قانون هیچ موضوع خرج معلوم نیست، کی رسیدگی میکنند؟ آن اظهارات هم که هر روز فرمودند بهر صورت تا آن ترتیبات را اجرا بکنند يك کسی را میخواهد يك خرجی که توسط این اشخاص میشود نفتیش بکند درست دقت بکنند رسیدگی بکنند ببینند بجای خودش خرج میشود یا نه؟ موضوع دیگری که بنده درین جا خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم اینست که الان از دو ملت استخدام میکنید برای عمل مالی یکی از مشکلات کار ما اینست که يك متخصص از يك جائی استخدام میکنیم وقتی که میآیند تازه ایرانیهای بدبخت باید بروند عقب تحصیل آن زبان بعد از مدت آن متخصص که رفت دیگری می آید باید بروند عقب این زبان تازه اگر چه بعقیده بنده چنانکه در دوره دوم مجلس هم عرض کردم در وقت استخدام متخصصین مالی اگر طوری میشد که ما میتوانستیم یکی از شرایط اینرا قرار دهیم که کسانی که مستخدم میشوند اینها وقتی که میآیند باین مملکت سعی کنند زبان فارسی را یاد بگیرند خوب بود زیرا که آنها مجبور هستند زبان ما را یاد بگیرند نه ما، ولی این آرزوست عجله خواستم بینم این اشخاصی که الان از دو ملت میآورند اینجا ترتیب استعمال زبان آنها چیست آیا هر دو ملت زبان فرانسه کار خواهند کرد یا زبان متفاوت و بیشتر اسباب سرگردانی مردم خواهند شد، برای اینکه باید

مسوده کنند ترجمه کنند و بالاخره آیا مترجمین ما صحیح ترجمه کنند یا با اشتباه و این مسئله مدتی اسباب سرگردانی مردم خواهد شد که از این زبان بآن زبان و از آن زبان بیک زبان دیگر ببرند او ببینند، او ببیند تا اصل موضوع از میان برود. خیلی عیب داشتم که دولت این مسئله اساسی را در نظر میگرفت که تکلیف زبان را معین میکرد الان این متخصصین مالی را که می آورند تکلیف استعمال زبان چه خواهد بود و اینها به چه زبان باید در مکاتبه و ترجمه عمل کنند که اسباب زحمت و اشکال نشود.

وزیر مالیه - در موضوع قسمت اول همان طوریکه فرمودند در جلسه گذشته بنده وعده کردم در اطراف این کار يك مطالعه بکنم مطالعه بنده و مشورتی که کردم نتیجه اش منفي است یعنی تأیید همین لایحه است که تقدیم شده. در قسمت زبان ما عقیده هستیم به این که مطلب تسهیل شود در ادارات ما و در ارباب غلب جوانها و تحصیل کرده ها و اغلب اعضای ادارات فرانسه میدانند بعلاوه حالا در انگلیسی هم مدتی کار کرده اند و میدانند و این متخصصین ما هم همه شان از شرایطشان یکی اینست که فرانسه و انگلیسی را بدانند که اجزاء ما مجبور بتحصیل يك زبان جدیدی نشوند

ارباب کیخسرو - راجع به نفتیش فرمودید چه ترتیبی شد

آقا سید یعقوب - منفي بود

(خنده نمایندگان)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد اشخاصی که قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد، پیشنهاد آقای ثقة الاسلامی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده اول این مورد

نوشته شود:



اول بکنفر متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی از اتباع بلژیک یا سوئیس .

دوم يك نفر ریاست خزانه داری کل از بلژیک یا سوئیس .

سوم يك نفر اداره محاسبات کل از بلژیک یا سوئیس

چهارم بکنفر اداره نفتیش از بلژیک یا سوئیس .

رئیس -- بفرمائید

ثقة الاسلامی - بنده فلسفه اینکه هیئت دولت خواسته اند برای اداره مالیه چهار نفر اشخاص غیر متجانس را استخدام نمایند دو نفر از آلمان و دو نفر از سوئیس نفهمیدم البته هر مملکتی يك طرز و روش کاری دارند که اینها در يك اداره بر ضد هم حتماً کار خواهند کرد و عقیده هم با هم موافقت نخواهند داشت البته آقایان محترم مسبقاً و چنانکه تا بحال بکرات هم دیده شده از این کار نتیجه مطلوبه هیچ وقت حاصل نشده است زیرا که این اشخاص از نقطه نظر رقابت با از نقطه نظر عدم توافق فکر همیشه با یکدیگر در معارضه و مجادله خواهند بود و دولت استفاده ای که از وجود آنها منظور دارد نتیجه نمیتواند بگیرد دیگر اینکه اگر آلمانها را استخدام بکنند ما باید چندین صد هزار تومان که برای کاغذ هائی که تا بحال يك ظرفش انکلیسی بوده و يك ظرفش فارسی خرج کرده ایم آنها را دور بریزیم و چندین صد هزار تومان باز خرج کنیم و ادارات دولتی کاغذ هائی چاپ بکنند و طبع بکنند که يك طرف آنها آلمان باشد و يك طرف ایران و از طرف دیگر این بیچاره مستخدمین دولت تکلیفشان معلوم نیست منتظرین خدمت اکثرشان و اغلبشان فرانسه میدانند و آلمان نمیدانند و بر عکس باز يك فوج مترجمینی اینجا حاضر خواهند کرد و تکلیفی معلوم نخواهد بود مثل اینکه بکنفر رئیس مالیه از یکی از ولایات نوشته بود مگر که اینجا غوزه پنبه خراب شده است و مالیات نداده من آنرا توقیف کرده ام غوزه

را مترجم نتوانسته است بخواند غوره کرده غوره راهم ترجمه بفرانسه کرده آنوقت رئیس مالیه او را معلق کرده که تو چرا این غوره ها را توقیف کرده ای غوره ها خراب میشود و چندین هزار تومان بدولت ضرر میخورد این تقصیر کی است؟ تقصیر مترجم است تمام مملکت ما باید برای چهار نفر یا پنج نفر اسیر باشد! و در عوض مدرسه امریکائی يك مدرسه آلمانی باز میشود باز باید مطیع اوامر آقایان باشیم. خوبست که با از سوئیس باشد یا از بلژیک باشد که زبانشان فرانسه باشد زیرا اغلب مستخدمین ادارات فرانسه را میدانند و آنها هم زودتر میتوانند زبان ایرانی را یاد بگیرند. و دیگر مسئله این کله متخصص اینجا در مورد خودش استعمال نمیشود خود آقایان که در خارجه بوده اند میدانند که متخصص يك کله عالی مقامی است که هر کس نمیتواند صاحب آن بشود حتی پروفیسور هائی هستند که صاحب این مقام نیستند. ولی بدبختانه در اینجا دولت هر کسی را که حتی زبان خودش را درست نمیتواند بنویسد متخصص میگوید چنانکه آن مستخدمی که از امریکا آورده اند فرانسه که نمیدانند آلمانی که نمیدانند حتی زبان خودش را در وقتی که راپرت مینویسد غلط مینویسد و اسم آن را متخصص گذاشته اند. و امروز در میان متخصصینی که از خارجها اینجا هستند بعضی هستند که حتی سواد متوسطه را هم ندارند تا چه رسد به تخصص خوبست که وزارت مالیه مسؤل تخصص اینها باشد. چنان که نظیرش هم دیده شده هسکل را آوردند اینجا و چندین هزار تومان دولت ضرر کشید و امروز پنج هزار تومان هم بطور مساعد با میدهند و کنتراست او را لغو میکنند اگر دولتی که ما باو اعتماد و خاطر جمعی داشتیم این کار را کرده است پس باید از مواجب خودشان این پنج هزار تومان را بدهند اگر از روی بی بصیرتی کرده چرا بی بصیرتی کرده! پس بگذارند بنظریات خود آقایان نمایندگان. وقتی که اینجا آقایان يك حرفی میزنند یکی

از آقایان که از دولت طرفداری میکنند میگویند خوب شما بدولت اعتماد دارید بگذارید بنظریات خودشان رفتار کنند. ما به آنها اعتماد داشتیم و چون اعتماد داشتیم رأی دادیم و حالا که میخواهند کنتراست را لغو کنند پولش را باید دولت مساعدت بدهد؟ اینها را از جیب خودش باید بدهد ...

رئیس -- آقا این مطالبی که میفرمائید مربوط به پیشنهاد نیست .

ثقة الاسلامی خوبست که دولت راجع باین مطالب یکقدری با احتیاط رفتار کند و مخصوصاً تخصص آنها را خودش مسؤل باشد که اگر متخصص نیستند و ضرری متوجه شد خود آقایان از کیسه مروشان یا از پولی که از دولت میگیرند بدهند .

( خنده بین نمایندگان )

رئیس -- آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - برای اطلاع نماینده محترم عرض میکنم که در یکی از مواد کنتراست آنها نوشته شده با نوشته خواهد شد که باید زبان فرانسه را بدانند و همین جهت این پیش بینی شده که آن اشکالاتی که میفرمائید پیش نیاید. در آن تقسیمی هم که میفرمائید که در وزارت مالیه بعضی هستند که فرانسه میدانند و بعضی دیگر آلمانی خود نان جواب خود نان را دادید آنها که فرانسه میدانند با سوئیس ها حرف بزنند و آنها که آلمانی میدانند با آلمانی ها و در قانون هم که قید میشود باید فرانسه بدانند. خوبست آقا هم موافقت بفرمائید و بایستی شنیده باشید که متخصص عالی مقامی اینجا آمده و دولت با او مشغول مذاکره شده صحبت کرده اند حرف زده اند او هم اینطور صلاح دانسته دیگر هیچ منطقی نیست که مذاکره بکنند که از بلژیک بیاورند. با این شخصی که مذاکره کردند برای این است که دو نفر از آلمان استخدام شود و دو نفر هم از سوئیس بیایند و این چهار نفر کار های ما را با هم دیگر بکنند .

آن فرمایشاتی هم که فرمودید آنها استیضاح بوده است سؤال بوده است نمیدانم چه بوده است ورقه لازمست که تقدیم دولت بکنید روز معینی بیایند اینجا جواب بدهند .

ثقة الاسلامی - اینجا مسئله استیضاح نبود يك رشته حقایقی را بنده عرض کردم ...

رئیس -- اگر میخواهید پس بگیرد میتواند حرف بزند .

ثقة الاسلامی - بنده پیشنهاد را پس نمیگیرم میخواهند رأی بدهند میخواهند رأی ندهند .

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( چند نفری قیام نمودند )

رئیس -- قابل توجه نشد .

بعضی از نمایندگان - تنفس .

رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود

( در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس

از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید )

وزیر مالیه - در چندی قبل ازین لایحه ای تقدیم کردم راجع به تمدید اختیارات ریاست کل مالیه رجوع شد به کمیسیون بودجه و از کمیسیون بودجه هم خبرش آمده و چون در آن لایحه يك مختصر تغییر می دادم آن لایحه را استرداد می کنم و يك لایحه دیگری تقدیم می کنم و برای اینکه اتلاف وقت نشود تقاضا می کنم که با فوریت این لایحه موافقت بفرمایند که همین امروز از مجلس شورای ملی بگذرد بکنفر از نمایندگان چند فوریت ؟

وزیر مالیه - دو فوریت .

رئیس -- ماده واحده قرائت می شود

( بشرح آبی خوانده شد )

ماده واحده - مجلس شورای ملی از تاریخ ششم دیماه

۱۳۰۶ نهمه ماه دیگر مدلول قانون ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ را که بموجب آن اختیارات مندرجه در قانون اسد ۱۳۰۱ به آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء واگذار شده بود تمدید میکند

تبصره - پس از ورود و اشتغال خزانه داری که استخدام آن در نظر است این اختیارات ملغی خواهد شد  
رئیس - مذاکرات راجع بفوریت است آقای حاج آقا رضا رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مسئله دو فوریت که آقای وزیر مالیه اینجا تقاضا کردند چیست؟ معنای فوریت اول این است که فقط یکمرتبه به کمیسیون برود فوریت دوم اینکه در مجلس بحث شود بنده هم در فوریت اول آن حرف دارم و هم در فوریت دوم اما مسئله فوریت اول بنده این را فوری نمیدانم چون نهایت دلیلی که برای بنده میفرمایند این است که حقوق فلان نظمی مانده و حقوق فلانجا مانده هزار ادله ذکر می شود و در این بین هم ذکر يك مصیبتی خواهد شد که اگر اینکار نشود چه خواهد شد. در صورتیکه این دلیل فوریت این مسئله نمیشود و لایحه دو دوازدهم هم هنوز به مجلس نیامده است که بگوئیم این لایحه آمده و گذشته و درخواستهای وزارتخانهها باید امضا شود و رئیس کل مالیه نداریم که امضا کنند آنکه هنوز نیامده پس اگر آقایان موافقین این مسئله بخواهند این ایراد را به بنده بکنند بنده این جواب را جلو تر عرض میکنم و يك مطالبی هم راجع باصل خود فوریت داشتن بعرض میرسانم ماهیچده ماه است کمیسیون بودجه را تشکیل داده ایم و يك نارنجی هم خواهد آمد و شهادت خواهد داد که اعضای کمیسیون بودجه باچه

زحمت و مجاهدتی آمدند که موفق بشوند باینکه يك بودجه تفصیلی بعرض مجلس شورای ملی رسانند که ملت مستحضر باشد از جمع و خرج. حالا گذشته. آقایان هم حق دارند به بنده حمله بکنند که آن بودجه نان کو. چون مستحضر نیستند که ما عضاء کمیسیون بودجه چقدر زحمت کشیده ایم يك روز هم تعطیل نکرده ایم این صورت جلسه است يك روز نبوده است که اعضاء کمیسیون بودجه حاضر نباشند و به تکلیف خودشان عمل نکرده باشند هي امروز بودجه را بردند پس فردا آوردند و دومیته پس فردا بردند باینکه سال سیصد و پنجاه و سیصد و شش از دست ما رفت و کم کم دارد این مسئله اساسی که مجلس شورای ملی کاملاً باید وقت خودش را بکشد. اما اصل از بین می رود آقایان هم همه اش را به دو دوازدهم گذراندند و آن حق ثابت قانونی که مشروطیت و قانون اساسی مقرر کرده بکلی آقایان از بین خواهد رفت برای خاطر اینکه مسامحه کردند در تقدیم بودجه. رئیس کل مالیه برای چه می خواهیم؟ برای اینکه يك روز نباید در کمیسیون بودجه تعقیب بکنند (که آقایان رئیس کل مالیه هستم مطابق این قانون که از مجلس گذشته است برای دکتر مجلسیو) و نظارت کنند در بودجه و گذراندن بودجه. کدام روز بوده است؟ آقایان موافقین بگویند یا شوند سرپا بفرمایند که کدام روز آمده است تعقیب کرده است؟ (زوار - کرده است) اجازه بدهید آقایان شما که در کمیسیون بودجه نبودید نظارت نکرده است...

زوار - نظارت داشته

آقا سید یعقوب - نظارت داشته؟ در کجا؟ در خانه شان ابتدا وزارتخانه ندارد. می آید اینجا معاون معرفی میکنند نیامده اند اینجا تعقیب نکرده اند. وزیر مالیه هم میگوید مطابق این اختیارات اختیارات من محدود است من نمیتوانم تعقیب کنم. رئیس کل مالیه که مسؤل آن است باید تعقیب کند و نیامده است پس فوریت برای چه؟ غیر از اینکه میگوید فوریت برای این است که بودجه می آید. بودجه که نمی آید سال هم نزدیک بد آخر است

پس این يك مسئله اساسی و حق اولیة ما دارد از بین می رود. بنا بر این بنده عقیده ام این است که فوریت اولش را موافقت بکنند برود کمیسیون بودجه کمیسیون بودجه ای که از مجلس از خود شما تعیین شده است در آنجا تحقیق کنند و بگویند که آقای رئیس کل مالیه بیائید شما تعقیب کنید تعیین کنید پنج روزه ده روزه بودجه هارا تمام کنید ما اعضای کمیسیون بودجه هم حاضریم همان طوری که قراردادها را در ظرف چهل و هشت ساعت گذراندیم سه بودجه دیگر را بیشتر باقی نداریم بنشینیم تمام کنیم بیاوریم در مجلس بنده اینرا نمیگویم که بخوام در آخر حساب بشود بنده که يك نفر کوچکترین اعضاء کمیسیون بودجه هستم افتخار میکنم که ماهیچده نفر در کمیسیون بودجه (با این مسامحه کردن) موفق شدیم و دارای این شرافت هستیم که اینقدر از خرج مملکت کم کردیم و نشستیم و زحمت کشیدیم و صد و هشتاد لایحه هم داده ایم برای اینکه مجلس شورای ملی از ما قدردانی بکند مجلس هم نکند ملت میکند اینهم نباشد ما پیش نفس خودمان خجل نیستیم که کار خودمانرا کرده ایم این را آقایان با بنده موافقت بکنند که ما ملزم بکنیم آقای وزیر مالیه و آقای رئیس کل مالیه را که عصری یا فردا بیایند در کمیسیون بودجه حاضر بشوند کارشان را کنار بگذارند بیایند اینجا این بودجه را تمام بکنیم این حرف اساسی بنده است و گمان نمی کنم کسی مخالف باشد.

وزیر مالیه - دو نکته در ضمن فرمایشات آقا هست که باید توضیح عرض کنم یکی راجع به مسئله تأخیر بودجه ها است در کمیسیون و فرمودند که وزیر مالیه میگوید این وظیفه مال من نیست. در صورتیکه فقط این وظیفه مال وزیر مالیه است مال رئیس کل مالیه نیست. ریاست کل مالیه بسمت ریاست کل مالیه هیچ نوع تماس مستقیمی نه با مجلس و نه با کمیسیون نمیتواند داشته باشد و ندارد و نباید داشته باشد هر قسمتی که

راجع به مجلس شورای ملی و کمیسیون بودجه است و وظیفه وزیر مالیه است و اگر قصوری هم شده است وزیر مالیه قصور کرده است در صورتیکه بنده مکرر نسبت به بودجه ها در اینجا عرض کرده ام آقایان خیلی موافقت فرموده اند و زحمت کشیده اند و بعد هم به ما اعتراض داشته اند ما هم حتی المقدور سعی داشته ایم آن اندازه که ممکن بوده است برای تسریع در کار گمان هم نمی کنم بودجه ها ناقصی زیادی داشته باشد اما نسبت باینکه فوریت اول آن را آقایان موافقت کنند تا کمیسیون بودجه رأی بدهد: بنده باید خدمتشان عرض کنم که آن لایحه قبلی که تقدیم کرده بودم در کمیسیون بودجه مطرح و تصویب شده خبرش هم تقدیم مجلس شده و حالا چندین روز است تقدیم مجلس شده است در هر صورت آن مقصود آقا هم حاصل است و تفاوت زیادی هم نمی کند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود... خوب بنده فعلاً عرض خودم را میگذارم برای بعد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - موافقم

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - موافقم

رئیس - آقای کی استوان

کی استوان - موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - بنده اصولاً با این ترتیب دو فوریت باین وضعی که الان در مجلس مرسوم شده است که هر لایحه ای را که میاورند فوراً تقاضای دو فوریت میکنند مخالفم زیرا که این بکلی مخالف با فلسفه مجلس شورای ملی است این مسئله دو فوریت که از چندین قبل تا بحال شیوع پیدا کرده این بکلی آن فلسفه تأسیس مجلس را که باید در لوائح شور و مشورت بشود از بین خواهد برد هر لایحه ای که می آورند ولو اینکه اهمیت هم نداشته باشد فوراً تقاضای دو فوریت پشت سرش است و بالاخره هم نمیگذارند نه مخالف و نه موافق مذاکرات بکنند که مطلب فهمیده شود گرچه لایحه تعدید اختیارات آقای رئیس الوزراء چندین دفعه است که (تعمید و تمدید و تعدید) پشت سر هم تعدید شده و مذاکرات زیادی در اطراف آن شده است ولی اصولاً بنده با این وضعیت مخالفم که هر لایحه ای که می آورند ولو اینکه اهمیتی هم نداشته باشد از طرف دولت تقاضای دو فوریت میشود بالاخره معنای این چیست چرا باید این اندازه عجله بشود؟ اگر اختیارات آقای رئیس الوزراء ده روز عقب تر تصویب بشود چه ضرری بر این مملکت وارد میشود و بچه جهت باید در این تعدید فوریت قائل بشوند؟ از يك طرف میگوئیم این اختیارات خوب نیست و به آن متخصصی که خودمان میخواهیم بیاوریم نباید بدهیم و آنوقت از طرف دیگر همین اختیارات را می آورند با قید دو فوریت تعدید کنند و نمیگذارند درش مذاکره شود و معلوم شود که این چیست و برای چیست؟ حالا اگر چه این مسئله معلوم است ولی اصولاً باید این را ترك کرد دو فوریت برای يك امر مهمی است که در تأخیر آن يك ضرری به مملکت وارد بیاید و این بندرت اتفاق میافتد این را نباید هر ساعت و نسبت بهر

لایحه ای تقاضای دو فوریت کرد بنده عقیده دارم همان طور بکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند يك فوریتش را رای بدهند برود و بکمسیون و مذاکره بشود بر گردد مجلس رای بدهد از این چند روز تاخیر هم هیچ ضرری برای مملکت از تعدید اختیارات آقای رئیس الوزراء نیست و ضرری وارد نمیشود

رئیس - آقای رفیع

رفیع - آقا باید متذکر باشند که این پیش بینی که در نظامنامه شده است برای مواقع مهم است.

حاج میرزا مرتضی - صحیح است بنده هم همین را میگویم

رفیع - و یکی از مواقع مهم همین است و بالاخره اگر آقا اطلاع داشته باشند که چه مقدار از لوائح امروز معطل است خودتان هم موافقت با فوریتش میفرمایند این کارها همه در پشت میز ریاست کل مالیه معطل است و آنجا هم هنوز رئیس ندارد. يك اختیاری خود مجلس داد (به پیشنهاد آقای مدرس بود کان میکنم) در آنوقت آمدند و معین کردند آقای مهدیقلی خان هدایت را رئیس کل مالیه و گفتند آقای مخبر السلطنه رئیس کل مالیه باشند و هنوز هم ما آن قانون را لغو نکرده ایم و نسخ نکرده ایم و کمترت متخصصین مالیه هم از مجلس نگذشته است حالا امور مالیه باید بهمین حال بماند؟ البته این خیلی بد است اگر چنانچه از طرف دولت هم این پیشنهاد نشده بود کان می کنم خود آقایان نمایندگان باید این پیشنهاد را میکردند. هیچ فراموش نمیکنم که آقای کازرونی دو سه روز است از من میپرسند این لایحه باین مهمی چرا جزو دستور نیست نمی فرمودند با اینکه کارها اینقدر معطل است چرا آقایان با قید دو فوریت نمیآورند این لایحه را به مجلس که بگذرد و کارها تمام بشود و انشاء الله اصلاح بشود با تعیین رئیس کل مالیه آنها بعنوان امانت بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بامداد - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

بامداد - عرض کنم که این لایحه برای چهار ماه تقدیم شده بود و کمیسیون بودجه بعد از مذاکرات به دو ماه تقلیل داد راجعش را هم تقدیم مجلس کرد البته در نتیجه يك مذاکرات بود که ما نظریات آنها را خواستیم خود آقای وزیر مالیه هم قبول فرمودند قضیه دو ماه را از آنطرف هم لایحه متخصصین الان مطرح است و در دست مذاکره است و میفرمایند که با این شخصی که اینجاست مذاکره کردم با برلن و برن هم مذاکره کرده ایم مطالب هم تمام شده است پس چه جبهه دارد که آمده اند این لایحه را اصلاح کرده اند و سه ماه کرده اند. پس اگر که واقعاً دولت يك نظری دارد برای سه ماه از فوریتش صرف نظر بکنند و بگذارند بیاید در کمیسیون بودجه و تشریف بیاورند آنجا البته آن چیز هائی که در کمیسیون گفته میشود در مجلس نمیشود گفت بیایند آنجا توضیح نشان را بدهند و ما قانع بشویم که خیر سه ماه لازم است نه دو ماه آنوقت البته رأی خواهیم داد اگر بنا باشد يك وزیر برخلاف نظر کمیسیون بیاید يك لایحه ای را اصلاح کند و با دو فوریت پیشنهاد کند چه عرض کنم که این طور می شود؟!

وزیر مالیه - در لایحه اولی همینطور که اظهار فرمودند چهار ماه بود در کمیسیون بودجه مذاکره شد آقایان خواستند بدو ماه مدت را تقلیل بدهند با این تبصره ای که در اینجا هست کافی است برای اینکه اگر بعد از بیکم خزانه دار وارد شد (تنها خزانه دار را هم نوشته نه باقی دیگر را) اگر خزانه دار وارد شد این تمام میشود و اینرا در حقیقت از نقطه نظر احتیاط سه ماه کرده ایم که اگر دو ماه نشد (که بنده حدس میزنم بشود) و آرزو هم کنم که يك چیز بحرمانه ای نیست که در کمیسیون بودجه بگوئیم ماسعی

میکنیم که زودتر بشود لکن اگر نشد باز درین مدت مجبور نشویم يك لایحه دیگری بیاوریم اینجا و این قسمی که هست ضرری ندارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟ (بلی) رأی گرفته میشود به فوریت قسم اول آقایانکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فوریت قسم دوم مطر است. آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر مالیه توجه بقوانین دارند شاید این مسئله هائی هم که بنده عرض کردم غفلت و زهول نشده است از نظرشان که این را توجه نکرده اند. ولی خدمت آقای وزیر مالیه عرض کنم رئیس کل مالیه که ما آوردیم چند تکلیف را برای او تعیین کردیم یکی از تکالیف او تهیه بودجه است که الان برای شما میخواهم و حالا این اختیار را بر رئیس کل مالیه میدهم سه ماه بنده میخواهم بگویم که این رئیس کل مالیه نه عمل باین اختیار کرده است نه عمل باین قانون اساسی. اما عمل به قانون اساسی چطور نکرده است؟ اصول بیستم قانون اساسی بودجه هر يك از وزارتخانهها باید در نیمه هر آخر سال از برای سال دیگر تمام شده بازده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد. رئیس کل مالیه سابق دکتر میلسپو وقتی اینجا بود این بودجه ۳۰۶ را او تهیه کرد ولی در حال وقفه ماند ولی این آقای رئیس کل مالیه بودجه ۳۰۶ را میگوئیم فلان خوب بودجه ۱۳۰۷ کجاست الان ما در دیدی هستیم چند روز دیگر داخل در بهمن میشویم و دو ماه دیگر بیشتر باخر سال نمانده است بودجه ۱۳۰۷ کجا است؟ حالا آقای وزیر مالیه با

هستم این است که به لوائح دولت رأی میدهم ( و عرض میکنم که نکنید کاری که بگویند کمیسیون بودجه عمل به تکلیف خودش نکرده است. بنده که يك عضو صغیری از آنها هستم خجل هستم و همینطور رفقای من منفعل هستند که چرا بودجه را تا بحال به مجلس نیاورده باشند. این يك مساعدت را مجلس نسبت به تکلیف اساسی خودش که دارد بکند.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده در نظر داشتم که نسبت باظهارات آقای نماینده محترم مرتباً جواب عرض کنم ولی در قسمت آخر فرمایشاتشان يك نکته بوده است که به آن میپردازم اظهار داشتند. فرمودند من برفقا تضرع و زاری میکنم که بودجه را بیاورند. من با این قسمت از تعبیرات در مجلس شورای ملی موافق نیستم. بالاخره نمایندگان و مجلس باید اقتدار خودشان را در حدود قانون بدون تضرع و التماس اعمال بکنند (صحیح است) و مخصوصاً نظر باینکه به آقای آقا سید یعقوب علاقه مند هستم که ایشان بیشتر این اصول را رعایت کنند امیدوار هستم که بعد از این احتراز کنند از این گونه تعبیرات...

آقا سید یعقوب - بدلت اثر کرد؟ چشم.

شریعت زاده - اما راجع با اعتراضاتی که در خصوص تصویب این لایحه فرمودند دو قسمت بود یکی راجع به اصل بیستم قانون اساسی و یکی راجع باختیارات رئیس کل مالیه. راجع به نهیه بودجه بدیهی است بنده شخصاً نمیتوانم مخالفت اصولی با این عقیده آقا بکنم ولی از حیث عمل می خواهم عرض کنم که این اشکال فقط باین دولت و باین رئیس کل مالیه وارد نیست بلکه در نتیجه وجود يك حوادث و خصوصیات از بدو مشروطه تا حالا ماهنوز باجرائی واقعی این اصلی موفقیت پیدا نکرده ایم و میتوانیم عرض کنم که عوامل تأخیر تنها مربوط بدولت نیست بلکه بکفدری تقصیر از مجلس است و بکفدری مربوط به کمیسیون

بودجه است و بکفدری هم تقصیر از دولت است ولی میخواهیم ببینیم که آیا حل این مسئله و اجرای این انتظارات وقتش حالا است یا خیر؟ بنده در عین حال که موافق هستم که این اصول باید اجرا شود مخصوصاً اصل بیستم و سعادت مملکت هم در این است که بودجه سال آتی در نیمه هر سال معین بشود و تصویب بشود اما در این مورد بخصوص مقتضی نمیدانم که این مطلب را مطرح نکنیم و باین علت تأخیر بیندازیم تصویب این لایحه را چون که این لایحه مطابق مذاکراتی که در سه ماه، چهار ماه قبل درش شد است و در نتیجه يك دلایل و نظریاتی تصویب شده است برای اینکه مجلس در نظر داشت که نظارت و کنترل در مخارج را که مطابق يك قانونی يك مدتی داشت حفظ کند تا آنکه متخصصین بیابند و اختیارانشان تصویب شود و نقطه نظر اساساً این بود که يك رئیس کل مالیه برای حفظ وضعیت سابق معین شود و آن وضعیت برای رفیقان دکترا میلسیو دست نخورد تا اینکه کسی قائم مقام او بشود بنا بر این اگر ما به آن اصل معتقد هستیم برای تأخیر و تقدیم بودجه نباید مخالفت بکنیم بفرض اینکه این لایحه مربوط است به اجرای آن نظر اصلی که ترتیب بودجه باشد. فعلاً مقصودمان این است که آن اصول و آن وضعیت اساسی باقی باشد تا آنکه آن متخصص بیاید و در قسمت اختیارات این متخصصین نهیه بودجه هم هست و آقایان میدانند که همیشه خود آقای آقا سید یعقوب این مطلب را طرح میکردند و مجلس به دولت تذکر میدادند که بودجه ها را زود تر بیاورند و دولت هم حتی الامکان سعی کرده است و با تصدیق باینکه تاخیر شده است معذک که به آن دلائلی که خود مجلس بان معتقد بوده است این لایحه را پیشنهاد کرده است این يك جهت اما جهات دیگر که فوریت تصویب این لایحه را اجباب میکنند این است که الان اکثر چرخهای ادارات بواسطه نبودن رئیس کل مالیه از کار افتاده است و قسمت زیادی از

قوانین که باید بنظارت او اجرا شود و وجوهی که باید پرداخته شود در حال تأخیر است بنا بر این جمیع جهات فوریت در این لایحه موجود است و باید سعی کنیم که این لایحه را زود تر تصویب کنیم و امیدوار هستم با تبصره که در این جا هست رفع نگرانی آقا بشود و هم چنین امیدوار هستم که تاخیر تقدیم بودجه ۱۳۰۷ با این وعده صریحی که آقای وزیر مالیه کردند باعث مخالفت اعضاء کمیسیون بودجه با این لایحه نشود و فعلاً ما باید سعی کنیم که با سرعت بودجه ۱۳۰۶ را که تقدیم کرده اند بگذرانیم و به مجلس بیاوریم پس بنده تقاضا میکنم که میکنم که آقایان این مذاکرات را اسباب تعویق این کار قرار ندهند و زود تر این را بگذرانیم و بپردازیم به کار های دیگر.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود به فوریت دوم...

زعیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

زعیم - وقتی که آقای وزیر مالیه در تقدیم لایحه قید دو فوریت کردند بادم به گفته شیخ سعدی افتاد که میگردد: اندیشه کردن که چه گویم به از غصه خوردن که چرا گفتم همیشه دستورانی که برای مجلس معین میشود يك روز قبل معین میشود و تبیان میکنم يك فلسفه این کار این باشد که آقایان مجال داشته باشند در لایحه و در موضوعی که مطرح است قدری تحقیق و مدافعه نمایند و راه صلاح را هر چه بنظرشان میآید روی کاغذ بیاورند و در موقعش پیشنهاد کنند، در مالکی که اصول شوروی ریشه پیدا کرده است غالباً صورت دستور مجلس قبلادر جراید اعلان میشود که در خارج هم هر کسی عقیده له یا علیه دارد در جراید بنویسد، حالا يك موضوعی را که ما با قید دو فوریت بگذرانیم در صورتیکه مربوط به مسائل مالی است نتیجه نمیبینیم

آن بیان منطقی و مبارزه پارلمانی که دارند چنان مدلل میکنند بر ما مثل آفتاب که بودجه ۱۳۰۷ تمام است و پس فردا عموماً اجراست و اکثریت هم فوراً رأی میدهند خوب رأی بدهند، رأی دادن که تأثیری در خارج نمیکند خلأقی که ندارد در خارج! که در واقع رأی که داده شد بودجه در خارج رفته است و ادارات و وزارتخانهها در تحت آن بودجه اداره میشوند خیر این طور نیست. این همان عبارتی بود که ما در قانون سابق بدکتر میلسیو اختیار داده بودیم همه اش را نمیخواهیم دلم میسوزد اختیار نام خواهد داشت که بودجه را نهیه کرده و تشکیلات مالی... پس نهیه بودجه هم از وظایف رئیس کل مالیه است و این رئیس کل مالیه که داریم که عبارت از آقای رئیس الوزراء است که الان مناصب متعددی دارند ابداً این مسئله را رعایت نکرده اند حالا بنده باز عرض میکنم که آقایان با اعضاء کمیسیون بودجه اشتراك مساعی بکنند موافقت بکنند که این لایحه بیاید در کمیسیون بودجه هم آقای وزیر مالیه هم رئیس کل مالیه تشریف بیاورند ما در عرض يك هفته هم تکلیف بودجه سیصد و ششرا معین می کنیم که بمجلس شورای ملی بدهیم و هم تکلیف بودجه سیصد و هفت را معین میکنیم برای اینکه ما عمل بوظیفه قانون خودمان کرده باشیم که وقتی دوره منقضی میشود از مجلس بیرون برویم بودجه تفصیلی را بعرض مجلس رسانده باشیم و تمام ملت از جمع و خرجش مستحضر بشود. این مسئله ای بود که خدمت آقای وزیر مالیه عرض کردم اگر بفرمائید که عمل بوظیفه خودش کرده است همان مبارزه پارلمانی است. عمل نکرده است. هزار برهان هم اقامه بکنند کسی نمیتواند باور کند دلیلش هم عدم وجودش است در خارج. نه بودجه ۳۰۶ را شما داده اید نه بودجه ۳۰۷ را این است که بنده التماس میکنم، تضرع میکنم (من داخل در شما هستم مخالف با دولت نیستم اما مخالف با عملیاتشان هستم دلیل اینکه من موافق دولت

بالاضافه فوریت مسئله هم آقا مربوط به صحت و سقم مسئله تنها نمیشود مربوط به این میشود که موضوع اگر از این ساعت به ساعت دیگر بیفتد يك مصلحتی را فوت کنیم و هیچ جهة ندارد که اجازه نمیدهید دلائلی را که ما بر ضد فوریت داریم اقامه بکنیم. اجازه بدهید که ما دلائل خودمان را بعرض مجلس برسانیم و چون فوریت دل آن تصویب شده یعنی حالا لایحه يك شوری شده است فوریت درم را دست نگاه دارید و لایحه در مجلس مطرح شود و حالا هم مدتی از ظهر گذشته است اجازه بدهید دلائلی را که ما بر ضد این فوریت داریم عرض کنیم آنوقت رأی بدهید.

رئیس - آقای رفیع

رفیع - اگر غیر از ایشان نماینده دیگری به این مطلب مخالفت میکرد من تعجب نمیکردم...

زعیم - برای اینکه از مالیه سایرین اطلاع ندارند و من اطلاع دارم.

رفیع - برای اینکه آن نماینده از امور مالیه اطلاع نداشت بالاخره مثل آقای زعیم و آقای سلطان محمدخان عامری که از امور مالیه اطلاع دارند باید بدانند که کار رئیس کل مالیه در وزارت مالیه چیست و بعلاوه همه آقایان میدانند که استخدام دکتر میلیسپو و کنترات او و ریاست مالیه آقای مخبر السلطنه برای چه بوده است. پس خوب است که آقا هم موافقت بفرمایند به اینکه این لایحه بگذرد و امروز تمام شود و بروی کارش.

رئیس - رأی میگیرم به کفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خود ماده مطرح است

آقا سید یعقوب - بفوریت نانی رأی نگرفتید

رئیس - بلی. فراموش شد. رأی گرفته می شود

به فوریت نانی آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده ولا خیلی متأسفم که در يك همچو امری که صورتاً برای مملکت خینی مهم است از راه نظر مملکتی مجبور بمخالفت شوم. چون ما علاقه مند هستیم باینکه قوانین ما در تحت يك رویه قانونی جریان پیدا کند و مخصوصاً مسئله ریاست مالیه و ترتیبات مالیه و انتظامات مالیه و این اختیاراتی هم که پس از رفتن رئیس کل مالیه سابق برای شخص آقای رئیس الوزراء گرفته شد از همین نقطه نظر بود و همه موافقت کردیم و رأی دادیم. عرض میکنم که بالاخره عمل بما نشان داد که این اختیار نقض غرض است یعنی همان غرضی که ما داریم از حسن جریان امور مالیه و سرعت جریان امور مالیه و تنظیم امور مالیه امتحانات این مدت به ما نشان داد که نقض تمام این غرضها میشود از اینکه اختیاراتی به شخص آقای رئیس الوزراء داده شود. البته آقایان تصدیق میکنند که بنده با شخص آقای رئیس الوزراء مخالفی ندارم ولی عمل اینطور نشان داده است. این جا بعضی از آقایان در جواب بعضی دیگر فرمودند که لوایح زیادی که آن لوایح محتاج به امضای ریاست کل مالیه است معوق مانده و کار های دولتی عقب افتاده است بنده میخواهم خدمت آقایان عرض کنم که این از موقع تمام شدن اختیارات ایشان نیست. از موقعی است که این اختیارات به ایشان داده شده است...

(همه نمایندگان - زنگ رئیس)

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست

بهبهانی - اینطور است اجازه بدهید که بنده عرض کنم اینطور است شما هم بعد بفرمائید اینطور نیست چون بنده يك اطلاعاتی دارم و بعضی آقایان دیگر هم هستند که احساس کرده اند و رفته اند در مالیه و دیده اند

که قریب دو هزار نوشته و نوشتجاتی که باید به امضای رئیس کل مالیه برسد مانده است و حق هم این است که بماند برای اینکه آقای رئیس الوزراء يك زحمات فوق العاده متوجه ایشان است که فرصت ندارند به این کارها برسند. این اختیاراتی که به ایشان داده میشود اولاً نمیتوانند از عهده بر آیند و فردا فرض اینکه نتوانند بخواهند و از عهده بر آیند ناقص است و نقصان آنها محل حرف نیست و یکی از جهات نقصانش ماندن يك نوشتجات زیادی است راجع به امضای ایشان که نتوانسته اند امضاء نمایند. بنابراین انتظام امور مالیه تقریباً از بین میرود و يك جهت مخالفت بنده این است که بنده در قسمت خودم اینطور احساس میکنم حالا آقایان البته مختارند و روی معلومات خودشان رأی میدهند. عرض میکنم بنده این طور احساس کردم که هر اندازه که ما اختیارات را امتداد بدهیم به آوردن رئیس کل مالیه موفق نخواهیم شد برای اینکه آقایان میدانند که در دفعه اولی که آمدند و اختیارات را تقاضا کردند بنا بود برای مدت سه ماه قانون این کار از مجلس بگذرد و در این مدت متخصص را هم بیاورند و بعد از سه ماه محتاج به تمدید آن اختیارات نباشد متأسفانه آن سه ماه طوری گذشت که اصلاً وارد مذاکره این کار هم نشدند در دفعه دوم که این اختیارات را خواستند وعده دادند که ما مذاکرات را کردیم و لایحه این کار را هم خواهیم آورد و آقایان نمایندگان هم اختیارات آن مدت را دادند ولی متأسفانه باز موفق نشدند به این که يك لایحه به مجلس بیاورند و از طرف مجلس آن لایحه تصدیق شود و موفق به آوردن يك رئیس مالیه بشویم مگر در این اواخر که این لایحه امتداد را به مجلس شورای ملی آوردند و آن تمدید مدتی را که خواستند يك لایحه بمجلس شورای ملی آوردند و بعلاوه همانطوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اغلب در کمیسیون بودجه (چون بنده خودم هم افتخار عضویت آن کمیسیون را دارم) می بینم که در هر يك

از بودجه ها با کارهای متعلق بهر يك از وزارتخانهها باید چندین مرتبه اخطار بایشان بکنند که آیا حاضر شوند یا نه و گاهی کمیسیون بودجه مجبور میشود که بدون حضور وزیر یا معاون آن يك صحبت هائی در اطراف لوایح مالی بکنند و تصدیق میکنید که این وضع خوشی نیست در همین موقع هم یکی دو مرتبه گفته شد که خوب است این مسئله که مطرح است آقایان بیابندولی آقایان نیامدند که این مسئله مطرح شود مگر چند روز قبل از این یعنی هفته گذشته که آمدند و این مسئله را مطرح کردند و حالا هم يك چنین اختیاراتی میخواهند. بنده تصور میکنم که این اختیارات اگر حالا هم داده شود باز مسئله متخصص مالیه مسکوت عنه خواهد ماند تا دفعه دیگر که باز محتاج به تمدید اختیارات میشوند و باز شروع به مذاکره میکنند و این مذاکرات هم که فعلاً در مجلس مطرح بود از پس فردا مسکوت عنه خواهد ماند و باز خواهد ماند تا آخر این مدت. علاوه بر این لایحه سابق از طرف دولت آمد و نقضای چهار ماه امتداد مدت شده بود در کمیسیون بودجه همانطوری که میفرمایند مطرح شد و آن مدت را زیاد دانستند و دو ماه کردند. بنده وقتی این لایحه که مطرح است خواندند دیدم که اینجا چیزی علاوه بر آنچه سابق بوده نوشته نشده مگر اینکه آن دوماهی را که کمیسیون بودجه نوشته بود سه ماه کرده اند و يك نویدی هم داده اند که در صورتیکه رئیس صندوق مالیه بیاید این اختیارات ملغی است و آقایان تصدیق میکنند (و اگر ظاهراً تصدیق نکنند نطقاً تصدیق خواهند کرد) که آن خزانه دار نخواهد آمد و این اختیار هم ملغی نخواهد شد و بالاخره باز مکلف می شویم به این که يك اختیار دیگری بدهیم. اصولاً بنده گمان میکنم اعم از اینکه ما مخالف یا موافق با دولت باشیم یا با رویه دولت موافق و مخالف باشیم باید یکقدری هم توجه به امور مملکتی داشته باشیم یعنی عمده این است که توجه به آن باید داشته باشیم و اگر مخالفت و موافقتی

داریم برای آن قسمت باشد، و الا بنده تصور میکنم که این رویه رویه است که ما را بجائی نبرساند غیر از اینکه يك چند مرتبه دیگر میآیند و امتداد اختیارات رئیس کل مالیه را میخواهند و همینطور است تا یکوقتی مقتضی شود که اصل این کار مسکوت عنه بماند

وزیر مالیه - آقا فرمودند که نبودن رئیس کل مالیه موجب تعویق کار نشده ولی از اول تعیین آقای رئیس-الوزراء ریاست کل مالیه کارها معوق ماند است و بعد هم استشهاد کردند از اطلاع يك مطلعی که آن مطلع ادعا کرده بوده است که دو هزار دوسیه در مالیه برای امضاء معطل است بنده خیلی متشکر میشدم که آن مطلع را بدست بنده میدادند که بنده روبروی اودر این مجلس بگویم که دروغ میگوید، دروغ صرف میگوئی، دروغ بی معنی میگوئی. بنده عرض میکنم که روزی که اختیارات رئیس کل مالیه منقضی شد يك دوسیه هم بدون امضاء نمانده بود و تمام امضاء شده بود. اما راجع بقسمت وحشت از نیامدن متخصص که این تمدید اختیارات سبب میشود که متخصص نیاید، این البته مربوط است بحسن ظن با سوء ظن و قبول قول یا عدم قبول قول و حاکی است از آن و بنده در آن اظهاری نخواهم کرد

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای حقنویس، اجازه بفرمائید، آقای

فیروز آبادی ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظر به اینکه وقت خیلی گذشته است و فردا هم مجلس هست و بحمدالله هفته چهار جلسه داریم این پیشنهاد را عرض کردم که فردا بیاید و اول مجلس بنشینید و این را بگذرانید. به این ملاحظه که

وقت خیلی گذشته بنده عرض کردم مجلس را ختم کنید و فردا صبح تشریف بیاورید و این کار را بگذرانید  
رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم يك مسئله را شروع کرده ایم آقایان موافق و مخالف اهمیت مسئله را بعرض آقایان رسانند و میدانید که چه قدر این موضوع مهم است و خود آقا هم اهل عملند و همیشه این جا میگویند که چرا کار نمیکنید و چرا کار نمیشود بالاخره خودتان می خواهید آن مطالبی را که میفرمائید عملی کنید؛ آخر ما فردا کار دیگر هم داریم و بر خلاف نظریه آن نماینده محترم همین لایحه را که امروز مطرح بود می آوریم و میگذرانیم.

فیروز آبادی - خوب اگر بشود که امروز این عمل بگذرد مسترد میدارم.

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - البته آقایان تصدیق دارند که مجلس جای مباحثه است و باید مطالب در اینجا از نقطه نظر عقائد گفته شود نه از نقطه نظر عاطفه. مسئله که مطرح است یعنی موضوع اختیارات رئیس کل مالیه یکی از مسائلی که در تشکیلات مملکتی باشد و از آن نقطه نظر مجبور باشیم که يك رئیس کل مالیه بایک اختیاراتی حتماً داشته باشیم نیست. چنانکه دلیلش این است که لایحه را که فعلاً دولت آورده يك رئیس کل مالیه با این اختیارات قائل نشده، از این جهت معلوم میشود که قطع نظر از اینکه يك رئیس کل مالیه بایک چنین اختیاراتی در تشکیلات مالیه ضروری نیست بلکه نظر دولت و اکثریت هم به لزوم وجود يك رئیس کل مالیه بایک چنین اختیاراتی نیست. اگر بود در لایحه که برای استخدام متخصص می آوردند آنجا هم يك همچو رئیس کل مالیه بایک همچو اختیاراتی پیشنهاد میکردند حالا که نه در تشکیلات مملکتی وجود يك رئیس مالیه بایک چنین اختیاراتی هست که قانون ایجاب کند که

ما يك چنین رائی بدهیم و نه نظر دولت و اکثریت به ادامه يك رئیس کل مالیه بایک چنین اختیاراتی هست (چون اگر این نظر بود این لایحه جدید را دولت نمی آورد) بنده تمدید این اختیارات را بی موقع میدانم. و اگر آقایان فراموش نکرده باشند آقای رئیس الوزراء خودشان آن دفعه اولی که از طرف مجلس پیشنهاد شد که ایشان ریاست کل مالیه را داشته باشند رفتند پشت زیبون و اظهار کردند که من تخصص ندارم و حق هم گفتند و بعد هم که قبول کردند از طرف یکی از آقایان نمایندگان گویا پیشنهادی شد و ایشان اظهار کردند که من هدایت قانونی آقای وزیر مالیه را قبول میکنم و اکثریت هم که اظهار اعتماد به آقای وزیر مالیه میکنند و این دادن اختیارات از نقطه نظر يك سوء ظنی نیست که بخواهند يك اختیاراتی به آقای رئیس الوزراء بدهند بلکه تناسب دارد که این پیشنهاد را اقلیت بکنند، یعنی اقلیت بی اعتماد باید بگوید که چون این وزیر طرف اعتماد من نیست يك کسی دیگر باید باشد که در این کار شرکت کند نه اکثریت يك چیزی را پیشنهاد کنند که اصلاً در تشکیلات مملکتی هم نیست مسئله دیگر راجع به مقید کردن آوردن متخصص در این سه ماه است یا اینکه مدتهاست این اختیار داده شده است و در این مدت اگر دولت حقیقتاً در صدد این بود که متخصص بیاورد تا بحال معین کرده بود حالا هم که موضوع آوردن لایحه متخصص است عرض میکنم باوجود اینکه يك رئیس و متخصص عالی مقامی این جا آمده است برای مطالعه در قضایای مالی ما و کمک فکری ما آهم در این قضیه کمک فکری میکند با این وضعیت باز سه ماه برای این کار موعود معین کرده اند پس معلوم می شود بنظر بنده که يك جدیدی در انتخاب متخصص نشان نمیدهند و گمان میکنم این سه ماه هم بگذرد و این متخصص نیاید و در این لایحه هم به دولت اختیار داده اند و دولت مجاز است مبخوهد میکند مبخوهد نمیکند

بنا بر این بنده معتقدم که حالا که جزء تشکیلات مملکتی يك رئیس کل مالیه نیست و در صورتیکه رئیس کل مالیه کمال اعتماد را به آقای وزیر مالیه دارد و در صورتیکه عملاً هم می بینیم که هیچ جا نیست که بین رئیس مالیه و وزیر مالیه يك اختلافاتی باشد و هیچ جایی نیست که آقای وزیر مالیه يك امضائی کرده باشد و ایشان از نقطه نظر کنترول رد کرده باشند و عمل این است که هر چه وزیر مالیه میکند ایشان مخالفتی نمیکنند و تصویب این لایحه احتمال دارد استخدام متخصصین را عقب بیندازد بنده هیچ فلسفه برای تصویب این لایحه نمی بینم مگر اینکه استخدام متخصصین تأخیر نیفتد ولی اگر تصویب نکنیم دولت اقلاً اخلاقاً مکلف است که کوشش کند برای استخدام متخصصین و زودتر این متخصصین را بیاورد.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - فرمایشاتی را که آقای حقنویس فرمودند يك قسمت تقریباً اعتراض به دولت بود که اگر رئیس کل مالیه لازم نیست پس چرا دولت اصرار دارد که بعنوان ریاست کل مالیه يك اختیاراتی از مجلس بگیرد و اگر عنوان رئیس کل مالیه در وزارت مالیه لازم است چرا در لایحه استخدام متخصصین مالیه این عنوان نیست بنده خیلی متأسفم از اینکه مذاکراتی که در اطراف لایحه متخصصین در این مجلس میشود و همانطوری که آقای آقا سید یعقوب نسبت به فرمایشات آقای احتشام زاده فرمودند مثل این است که لایحه را مطالعه نکرده اند عرض میکنم ما عیناً اختیارات رئیس کل مالیه را در آن لایحه به خزانه دار دادیم آقا مگر اختیارات دکتر میلسپو چه بود! عزل و نصب، تغییر و تبدیل نظارت در خرج و هر چه که بنظرش میرسد پیشنهاد کنند که اگر وزیر مالیه موافقت کرد اجرا شود مگر متن کنترات دکتر میلسپو غیر از این بود فقط چیزی که در کنترات دکتر میلسپو بود آن حکمیت مخفی بود که آقای علائی

درست کرده بود. چرا دکتر میلسپورفت برای اینکه نمیخواست آن طرز حکمیت تغییر کند والا اختیارات دکتر میلسپو زیاد نبود و عیناً همان اختیاراتی است که به خزانه دار میخواستند بدهند حالا اگر آقایان دلشان خوش نیست که چرا رئیس کل مالیه اسمش را نمیگذاریم آن يك مسئله است حالا مشاحه در اصطلاح نداریم و ممکن است اسم خزانه دار را تغییر بدهیم و بگذاریم رئیس کل مالیه در هر صورت نظر دولت و نظر اکثریت مجلس این است که يك متخصصینی برای مالیه استخدام شوند؟ چرا برای اینکه وزارت مالیه ما اینطور شده است از چند سال پیش که مثل الکتربسته مثبت و منفی که باید بکار برود تا نتیجه از او گرفته شود. جنبه اثباتی آن از طرف وزیر مالیه باید باشد و جنبه منفی از طرف يك نفر دیگر اینطور شده است و دلمان را به این خوش کردیم برای اینکه رفع بعضی سوء ظن ها بشود و اساساً بنده از اشخاصی هستم که معتقد به اشخاص خارجی برای مالیه نیستم فقط برای رفع بعضی سوء ظن ها است که میگوئیم يك خارجی بیاید و يك اختیاراتی به او بدهیم و الا در عمل در عرض این چهار پنج سال دیدیم که هیچ اصلاحی نشد آن بدبختی و آن فقر زار عین که تماس با مالیه دارند کماکان بلکه بطور اشد باقی است و تفاوتی برای آنها حاصل نشد و از دید عایدی هم تنها نتیجه قدرت حکومت ما بود قدرت دولت ما بود و الا این ارقام مالیاتی سابقاً هم بود و تفاوتی که پیدا کرد این بود که سابق در راه ها وصول میکردند و حیف و میل هائی میشد فقط دکتر میلسپو آرا جمع آوری کرد و تمرکز داد ولی اصل وصول و ایصال مالیات فقط مربوط به قشون بود که هزار هزار و پانصد نفر مأمور جمع آوری بودند و حالا هم تبدیل شده است به امنیت و هزار نفر هم زیاد کرده اند و سیصد هزار تومان بودجه امنیت را درست کرده اند فقط برای وصول مالیات با نظر دکتر میلسپو این کار شد. در هر صورت

اگر يك متخصص عالی مقامی هم ما بیاوریم يك نظریات و يك پروژه هائی هم بدهد خود ما حاضر نیستیم بپذیریم و بهترین دلیل این است که همین پروژه های دکتر میلسپو در کمیسیون مالیه معطل مانده همین پروژه که مالیات ارضی را ملغی کند و مالیات تحدید را چطور کند کسی بایی نیست و هیچ تعقیب نمیکنید و بالاخره این پروژه ها نتیجه فکر يك نفری است که با این اختیارات که میفرمائید در اینجا بوده است، در هر صورت اینکه فرمودید که اقلیت باید عنوان این لایحه را بکند نه اکثریت برای اینکه اکثریت بوزیرش معتمد است بله حالا هم ما بوزیر مالیه اعتماد داریم و نهایت درجه اعتماد را هم داریم و خیلی هم خوب کار کرده است و آن کسانی که نظر مصلحانه در قسمت مالیه دارند و بنده از آنها تحقیقاتی کردم همه به من گفتند که بعد از رفتن رئیس کل مالیه هیچ تصور نمیرفت که وزیر مالیه اینطور کار کند و بتواند وضعیت سابق را نگاه دارد ولی چیزی که هست این است دولتی که من موافق آن هستم آن دولت می گوید که من صلاح می دانم از نقطه نظر رفع بعضی سوء ظن ها که اینطور بشود، دولت وقت اینطور پیشنهاد کرده است و ما هم که موافق دولت هستیم میگوئیم خوب است. در هر صورت ما مخالفتی از نقطه نظر فکر و عقیده با دولت نداریم و هیچ هم به هو و جنجال و پروپاگاندا و اینها ترتیب اثر نمیدهیم بلی پروپاگاندا خیلی میشود ولی ما میدانیم که از ناحیه کجا است از ناحیه همان هائیهائی است که ما سابق پروپاگاندا بر علیه آنها می کردیم همان کمپانی منتهی به يك صورت دیگر در آمد ولی ما میدانیم و خوب آنها را میشناسیم در هر صورت اینکه فرمودند که مدت سه ماه چه لزوم دارد و بالاخره باعث تعویق استخدام متخصص خواهد شد بنده خیلی تعجب میکنم اولاً اگر دولت موافق نبود اصلاً لایحه اش را نمی آورد شما که طرحی پیشنهاد نکردید، لایحه استخدام چهار نفر متخصص را خود دولت

به مجلس شورای ملی آورده است و مصر هم هست که زودتر بگذرد خود دولت در کمیسیون بودجه آمد اصرار کرد و ما هم با عجله راپرتش را تقدیم مجلس کردیم و این تبصره هم که اینجا قید شده است برای این است که اگر زودتر از سه ماه موفق به استخدام این متخصصین شدند و رئیس خزانه وارد شد دیگر این اختیار قهراً از بین میرود؟ پس با ضمیمه این تبصره که هر وقت خزانه داری که دارای يك اختیاری است وارد شد و شروع به کار کرد این اختیارات ملغی است دیگر هیچ جای نگرانی نیست، مدت سه ماه باشد، چهار ماه باشد دو ماه باشد فرقی ندارد ممکن است يك ماه بعد از تصویب این قانون آن خزانه دار بیاید آن وقت مثل این است که يك ماهه اختیارات را تمدید کرده ایم اینکه فرمودند آقای رئیس الوزراء آقای حاج رئیس نظریات آقای وزیر مالیه را بطوع و رغبت قبول می کنند خیر اینطور نیست بنده سراغ دارم يك دوسیه هائی را که نهایت درجه شخص آقای وزیر مالیه اهتمام کرده است و رئیس کل مالیه مقاومت کرده و نگذاشته میخواستند بنده به اسم و رسم این دوسیه را به شما نشان میدهم بروید در مالیه تحقیق کنید و بنده يك رشادت و يك مقاومتی در آقای رئیس الوزراء سراغ دارم که در سابق نیست و اگر به تازگیچه مجلس مراجعه کنید آن چیزی که ایشان را بمقام ریاست وزرائی رساند و ما را حامی ایشان کرد فقط مقاومتشان بود. در هر صورت این فرمایشها که شما فرمودید ابدأ صحیح نیست و بنده موارد مختلفه را به شما نشان میدهم که ایشان در کارها اشکال کرده اند و شاید اشکال ایشان هم وارد باشد و بنده دقیقاً وارد نیستم که جزئیات را عرض کنم ولی بطور کلی يك چیز هائی را وزیر مالیه پیشنهاد کرده است و آقای رئیس الوزراء اشکال کرده اند مثلاً در موردی که يك نفر مستخدم که هشت سال خدمت کرده و سه روز برای اختلاف ماه قمری و شمسی کم داشته است اگر مطابق

قمری حساب میکردند شاید از هشت سال زیاد تر میشد ولی مطابق سال شمسی از هشت سال کمتر میشد ولی چون مدت استخدام مطابق سنوات شمسی است و سه روز از هشت سال کم بوده است نپذیرفته اند حالا شما می فرمائید دقت نمیکنند و هر چیزی را که وزیر مالیه بگوید میپذیرند بنده نمیدانم ولی عرض میکنم که ایشان فوق العاده مقیدند که رعایت قوانین را کرده باشند و حالا آقایان تصدیق دارند که بقول آقای رفیع يك درخواست و نوشته جاتی از طرف وزارت مالیه حاضر شده است و بواسطه عدم اختیارات و عدم امضای رئیس کل مالیه معطل مانده است که من جمله از آنها درخواستهای راجع به حقوق اعضای عدلیه های ایالات و ولایات است که به همه شماها از ایالات و ولایات شکایت رسیده که حقوق آنها پرداخته نشده و معطلی حقوق آنها فقط برای این است و تا آن قانون تصویب نشود آن درخواست ها امضاء نخواهد شد و حقوق آنها داده نمیشود. در هر صورت تا وقتی که متخصصین نیامده اند و استخدام نشده اند ما باید يك رویه ای را برای این کار اتخاذ کنیم حالا اگر آقای حقنویس رویه ای بنظرشان رسیده است يك رویه بهتری بفرمایند و ممکن است که ما از نظرشان استفاده کنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده حقیقتاً به آقای باسائی خیلی علاقه مند هستم ولی يك چیز هائی فرمودند که گمان نمیکنم این طور باشد بنده خواستم در این جا اگر آقایان موافقت بفرمایند این اطلاعات آقای باسائی را باطل کنم که غیر واقع است و آنوقت موافقت میکنم از این جهت بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم آقا مقصودشان را فرمودند ،  
 عصری کمیسیون بودجه داریم و فردا هم مجلس داریم  
 مذاکرات خودشان را میفرمایند و جواب خواهند شنید  
 و فعلا بنده ملاحظه میکنم که مذاکره به اندازه کافی  
 شده است حالا دیگر باید رأی بدهیم و آقای آقا سید  
 یعقوب مذاکراتشان را فردا بفرمایند .  
 زعیم - بنده ختم جلسه را پیشنهاد میکنم  
 رئیس - عده برای رأی کافی نیست و کسی هم اینجا  
 نیست مذاکرات مینماید برای فردا

(مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

www.iran-archive.com